

گفتارهای محمد امینی
پیرامون تاریخ، سیاست و جامعه
در کلاب هاس
هر آدینه ساعت ۹ شب ایران
نشانی: یک کلمه با محمد امینی

ایران شاهر
رایگان
FREE
در جنوب کالیفرنیا
بهای تک نسخه: جنوب کالیفرنیا: رایگان - شمال کالیفرنیا و سایر ایالت‌های آمریکا: \$2.00
هفته نامه خبری، فرهنگی، سیاسی ایران شاهر - شماره ۲۹۸ - آدینه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۲

سامان حیدری
وکیل
HEIDARI LAW GROUP
INJURY LAWYERS
تصادفات
لاس وگاس - لس آنجلس
(818)818-0707
(702)722-1500
HEIDARILAWGROUP.COM

پیام درخشان شان صدیقی
وکیل آشنای جامعه ایران در امور
برنامه ریزی مالی
تراست - وصیت نامه - ارث
تنظیم وصیت نامه
ایدن مموریال
(818) (323)
326-4040 782-9494

به یاد دایی جان، ایرج پزشک زاد
به روایت: زاون
صفحه ۷-۸-۹

به یاد ایرج پزشک زاد
نویسنده: پیرایه شبان

مهربانی و حمایت گرفته تا شک ورزی های بی حد و مرز و بی اعتمادی... «کار، کار انگلیسی هاست»... یعنی آیا ما ایرانیان قدیم و مسولیتی نداریم؟، کینه توزی و انتقام ورزی، شایعه سازی و عیب پوشانی و پنهان کاری... «مشقاسم» پنداری ماسار اقا را نیش زده است، «دخال و عبور مکرر از مرزهای شخصی و خصوصی یکدیگر... اسدالله میرزا که مدام به سعید که در حسرت عشق و وصال به لیلی بدون در نظر گرفتن عواطف یک نوجوان به او پیشنهاد می کند تا دیر نشده با لیلی سفری به «سانفرانسیسکو» برود...

ایرج پزشک زاد خالق کتاب دایی جان ناپلئون امروز در لس آنجلس به ابدیت پیوست. پزشک زاد بیش از ۵۰ سال پیش به خوبی توانست پرده از چهره و نقاب ایرانی و روابطش بردارد. خوانندگان آثار او به ویژه دایی جان ناپلئون (ونیز از طریق دیدن فیلمی که از اثر ساخته شده بود) در آن «خانه» قدیمی سفری بیرونی-درونی را تجربه می کردند. خانه ای که چندین خانوار در آن سکونت داشتند؛ اتاق پنج دری، ایوان، آلاچیق، باغ، درخت محبوب دایی جان، نسترن... در آن جا می توانستی خود و دیگران و روابط و ویژگی های ایرانی را در قالب شخصیت هایی مانند مش قاسم، عزیز السلطنه، آقا، اسدالله میرزا، سعید و لیلی، شیر علی قصاب، فرخ لقا، دایی جان سرهنگ و پوری فاش شو... مشاهده کنی تا اینکه مستقیماً نشانه بروی. در آن خانه می توانستی بدون از قضاوت ها، با احساس امن تری به دور وبری هایت نظری بیفکنی واز فرط تحیر بی وقفه بخندی. تحیر از مشاهده آن چه که هر لحظه با آن سرو کار داشتی اما به کنه آن پی نبرده و هرگز آن را (روابط) زیر سوال نبرده بودی، یک نوع حضور غایب! و این خاصیت یک شاهکار طنز آمیز مانند دایی جان ناپلئون است که همه ویژگی ها ایرانی را بدون از برجسب و شرم سازی منعکس می کند.

اما بارزترین آنها شاید مطرح کردن تئوری توطئه باشد و پنهان شدن در پس نقاب برای خوب جلوه دادن خود، برای ابراز توانمندی و قدرت تا جاییکه دایی جان این نقاب را از دیگران (ناپلئون بناپارت) وام می گیرد و با او همسان پنداری می کند. زیرا دایی جان دارای شخصیتی خودشیفته (نارسیست) بارز است که با خویشتن خویش بی ارتباط است، همه چیز حول محور او می چرخد. او دچار بیماری توهم است... «دست انگلیسی ها به من نمی رسد من خردشان می کنم». «دایی جان برای تایید شدن مدام به اشخاص دیگری مانند مش قاسم «نوکرش» نیاز دارد. نوکری که خود نیز دارای شخصیتی

ادامه مطلب صفحه ۲

پزشک زاد برخی از ویژگی ایرانیان اعم از دلسوزی و

کنفرانس در باره ایران در واشنگتن دی سی

| | | | | | | | |
|--|---|---|---|--|---|--|---|
| | | | | | | | |
| Hon. Elliott Abrams Senior Fellow for Middle Eastern... Council on Foreign Relations (CFR) | Amir Afkhami Associate Professor George Washington... | Masih Alnejad Journalist and Activist | Arash Aramesh National Security Analyst | Marjan Keypour Greenblatt Founder and Director Alliance for Rights of All Minorities... | Hon. Brian Hook Former US Special Envoy for Iran | Mohammad R. Jahanparvar Washington, DC-based economist | Brian Katulis President for Policy Middle East Institute (MEI) |
| | | | | | | | |
| Ladan Boroumand Co-Founder Abdorrahman Boroumand... | Saeed Ganji President NUFDI | Hanin Ghaddar Friedmann Fellow Washington Institute | Saeed Ghasseminejad Senior Iran and Financial... Foundation for the Defense of... | Cameron Khansarinia Policy Director NUFDI | Kaveh Madani Research Professor The City College of New York | Mariam Memarsadeghi Senior Fellow MacDonald-Laurier Institute | Nazee Moinian St. Andrews University |
| | | | | | | | |
| Gabriel Noronha Executive Director Forum for American... | Morgan Ortagus Former State Spokesperson | Karim Sadjadpour Senior Fellow Carnegie Endowment for... | Khosrow Semnani Industrialist, Philanthropist, a... | Shaun Tandon State Department Correspondent Agence France-Presse (AFP) | Kaveh Shahrooz Senior Fellow MacDonald Laurier Institute | Arash Sobhani Artist and Activist Kiosk Band | Ray Takeyh Hasib J. Sabbagh Senior Fellow for... Council on Foreign Relations (CFR) |
| | | | | | | | |
| Behnam Ben Taleblu Senior Fellow Foundation for the Defense of... | | | | | | | |

پنل سخنرانان: البوت ابرامز ، بهنام طالب لو ۳۰/۹ - ۳۰/۱۰ تحولات اقتصادی، محیط زیستی و تلاطم های اجتماعی درون ایران
پنل سخنرانان: محمد جهان پرور، کاوه مدنی و لاله برومند
۳۰/۱۰ - ۱۱ آنتراکت و صرف جای و قهوه
۱۱ - ۱۲ سایه منطقه ای جمهوری اسلامی
پنل سخنرانان: کریم سجادیپور، هنین قدر ۳۰/۱۲ - ۱۲ صرف ناهار
۳۰/۱۲ - ۱۳ گفتگو با فورمست Fireside Chat با برابان هوک همراه با کامران خوانساری نیا
۱۳-۱۴، ایرانیان آمریکایی: درگیر شدن در تغییر پنل سخنرانان: امیر افخمی، مرجان کی پور، ارش

پنل سخنرانان: خسرو سمناوی ۳۰/۱۴ - ۳۰/۱۴ آنتراکت و صرف جای و قهوه
۳۰/۱۴ - ۴۵/۱۵ سیاست خارجی آمریکا و رای برجام، ابزارها، استراتژی و تاثیرات
پنل سخنرانان: برابان کاتلیس، سعید قاسمی نژاد، مورگان اورتگاس، ری تکیه، ارش آرامش و شان تندن ۴۵/۱۵ - ۱۵/۱۶ جنبش زنان ایران
سخنران: مسیح علی نژاد
۱۵/۱۶ - ۱۷ گفتگو در باره ایران: رسانه، دانشگاه و اتاق فکر
پنل سخنرانان: مریم معمار صادقی، کاوه شهروز و گابریل نورونها

ایران شاهر: به ابتکار اتحادیه ملی دموکراسی برای ایران . کنفرانسی در باره ایران ۵ شنبه دهم ماه فوریه ۲۰۲۲ برابر با ۲۱ بهمن ۱۴۰۰ خورشیدی، در چهل و سومین سالگرد انقلاب اسلامی به مدت یک روز در محل هتل Mayflower در پایتخت آمریکا، واشینگتن دی سی برگزار می گردد. در این کنفرانس افراد مشهور و برجسته سیاسی، دانشگاهی و اقتصادی سخنرانی و شرکت می کنند.
۹ بامداد - خوش آمدگویی کامران خوانساری نیا، سعید گنجی
۹-۳۰/۹ بامداد، سیاست جمهوری اسلامی ایران در ۴ دهه گذشته،

کتاب انوسی
برگردان، تصحیح و پژوهش
امیرعلی فلاحیان
بابایی بن لطف کاشانی
شرکت کتاب
www.ketab.com
کتاب انوسی منظومه ای روایی در بیان زندگی یهودیان ایران در میانه عصر صفوی است. بابایی بن لطف در این کتاب از روزگار سخت یهودیان در دوران شاه عباس اول، بهبود نسبی وضعیت آنان در دوران شاه صفی و واقعه تغییر کیش اجباری شان در زمان حکمرانی شاه عباس دوم می گوید و به رخدادهای مهمی می پردازد که یهودیان شهرهای مختلف ایران در فاصله سالهای ۱۰۱۶ تا ۱۰۷۲ ه.ق از سر گذرانده اند. داده ها، اطلاعات و محتوای این کتاب در حوزه های چون تاریخ، فرهنگ و زندگی اجتماعی یهودیان ایران، تاریخ اجتماعی عصر صفوی، تاریخ ادیان و مذاهب ایران، تاریخ اجتماعی ایران، زبان شناسی و گویش پژوهی، تاریخ محلی و تاریخ ادبیات ایران حائز اهمیت است.
ketab.com
(310) 477-7477
ketab1@ketab.com

وام های کرونا
یاری بلاعوض از سوی دولت
هم برای مستاجران و هم صاحبخانه ها
یاری بلاعوض از سوی دولت برای کسانی که
تاخیر در پرداخت وام خانه خود داشته اند
2981-385-424
مشاوره اولیه رایگان
کامیار روحانی

Pardis Akhavan, Esq. | Associate Attorney
BANKRUPTCY OVERVIEW
FORECLOSURE DEFENSE
DEBT RELIEF OVERVIEW
پردیس اخوان
وکیل رسمی دادگاههای آمریکا
ورشکستگی و
کلیه دعاوی حقوقی مربوط به آن
سن فرناندو ولی - دان تاون لس آنجلس
RESNIK HAYES MORADI LLP
Telephone: (213) 572-0800 Direct Line: (818) 285-0101
Facsimile: (213) 572-0860 Main Line: (818) 285-0100
Facsimile: (818) 855-7013

323-574-4818
Fax: 323-954-1371
mehrdadprto@earthlink.net
MICHAEL M. PARTO
AN ACCOUNTANCY CORPORATION
موسسه حسابداری و حسابرسی مایکل پرتو
حسابدار قسم خورده
● Preparation of tax returns for corporations, trusts, LLCs, partnerships, Individuals and estates
● Full accounting
● Write-ups and Quick Books Advisory Services
● Consultations
● Employee buy-in
● Business valuations for closely held companies and sole proprietorships
● Audit Representations
● Compliance filings with all federal, state, county, city and local agencies as to business license renewal, etc.
● Payroll processing
● Foreign transactions reporting as to FBAR, 114, AND 8938
ما همه تسهیلات لازم را برای انجام کار حسابداری شما بدون این که حضور فیزیکی شما لازم باشد فراهم آورده ایم.

کانون فرهنگی ایرانیان آتلانتا
قابل توجه هم میهنانی که در کالیفرنیا زندگی میکنند با هم میهنان خود که در ایالت جورجیا زندگی می کنند با برنامه های کانون فرهنگی ایرانیان آتلانتا توسط زوم ارتباط برقرار کنید. از شما دعوت می شود میهمان و یا سخنران برنامه های ما باشید.
کانون فرهنگی ایرانیان آتلانتا نهادی است فرهنگی، اجتماعی و غیر انتفاعی که به هیچ حزب، جبهه و گروه خاصی وابسته نیست.
WWW.ATLANTAPCC.COM
PERSIAN CULTURAL CENTER
3146 REPS MILLER RD., NORCROSS, GA 30071
info@kanoon.info (404)303-3030
JOIN OUR MAILING LIST

نویسنده: پیرایه شبان

به یاد ایرج پزشک زاد

کوروش سلیمانی (توماج) آتلانتا

تصویر هفته:



مراسم امانت کتاب با حضور نویسنده ایرج پزشک زاد سال ۲۰۰۴ میلادی کتابفروشی شرکت کتاب وست وود از راست: پیرایه شبان، لاله فدایی

ایرج پزشک زاد و میراث گرانتقدش را گرامی می داریم.

خودش یافته از نوع وابسته و پنهان است! ومدام در حال رسیدگی و تایید دایی جان است: «نه آقا آن جنگ کازرون نبود، آن جنگ ممسنی بود» و پاسخ همیشگی دایی جان به او: «خفه شو قاسم بذار حرفمون رو بزنیم!»

دورانی را که پزشک زاد در این اثر ترسیم کرد به چندین دهه گذشته تعلق دارد و از آن زمان تغییرات زیادی به لحاظ فرهنگی، اجتماعی اقتصادی، مذهبی، باورها، ارزش ها و غیره در ایران صورت گرفته است. با این وجود «خانه ای» که او برایمان به یادگار گذاشت یک نمای نمادین است که در هر دوره می تواند با شخصیت های ویژه همان دوره دوباره پر شود تا ایرانی بتواند خود را در آن بیابد.

ایرج پزشک مردی آرام بود و بیشتر گوش می داد و مشاهده می کرد و شاید بدین جهت می توانست دریافت خوبی از وقایع و روابط بدست آورد و آن را در آثارش با قلم پر توان و طنز بی نظیرش منعکس کند. بی شک او در خانه دل ما ایرانیان جای ویژه ای دارد.



امریکای سکولار و دادگاههای مذهبی

من معنی درست سکولار را نمی دانم ولی فکر می کنم یعنی جدا نگاه داشتن دین از حکومت، به بیان ساده تر یعنی دین نباید به هیچ وجه خودش را قاطی کارهای دولت بکند.

ولی باور بفرمایید که همین دولت آمریکا، نه تنها با محکمه های مذهبی مخالفتی ندارد، بلکه مشوق آنها هم هست، چرا که آنها باری از دوش قوه قضائیه آمریکا برمی دارند. به همین میهن گرامی، قریب شش ماهتون برم، آمریکا یکی از کشورهای است که شکایت به دادگاه و به عبارتی «سو کردن» بازار داغی دارد و هر کس که کش و کشمشش می شود طرف دیگر را «سو» می کند و ایرانی های مهاجر هم یکی از واژه هایی که خیلی زود یاد می گیرند، همین واژه «سو» کردن است و هیچ ایرانی نیست که در طول زندگی اش سه چهار بار کسی را «سو» نکرده باشد و یا «سو» نشده باشد.

در دادگاه های آمریکا، شاکلی و متهم، قبل از شرفیابی به حضور قاضی می توانند اختلاف خود را با پادرمیانی یک میانجی حل کنند، بدین معنی که دور میزی بنشینند و خیلی مؤدبانه و محترمانه بدون خشم و عصبانیت مثل بچه آدم حرف های خود را بزنند و کمی هم تخفیف بدهند و بقولی میان راه بهم برسند و قضیه را به خوبی و خوشی فیصله دهند و روی یکدیگر را مایج کنند و دادگاه را ترک کنند و اگر چشم بد دور، یکی از طرف های دعوا دستی بلند کند تا حسابش را درست حسابی تصفیه کند، آنوقت است که سرکارش با دادگاه می افتد.

و اما مرحله بعد «محکمه» یا «داوری» است که دست بر قضا می تواند مذهبی و یا غیرمذهبی باشد ولی نمی تواند الکی الکی طبق میل مبارک قاضی یا قضات محکمه باشد و آنها نمی توانند تنها طبق قانون های مذهبی یا شریعت داوری کنند. بلکه باید تابع قانون و خط قرمزهایی باشند که توسط دولت فدرال یا قانون گزاران ایالتی برای آنها وضع شده و اگر خلاف آن عمل کنند رای آنها می تواند باطل شود.

در محکمه های مذهبی از شما خواسته می شود که آنها حاضرند برای شما داوری کنند بشرط آنکه هر چه رای دادند، شما بپذیرید. چون رفتن به دادگاه مدنی خرج و وقت زیادی می برد بسیاری به این کار تن می دهند بدون اینکه بدانند چه اشتباه بزرگی مرتکب شده اند.

پس بنا بر این بدون مشورت با یک وکیل به هیچ وجه سند و مدرک و رضایت نامه ای را امضا نکنید و گرنه اگر قضات کاری خلاف و بناحق انجام دهند، دست شما بسته خواهد بود.

این ها موردهایی هستند که شما و قضات محترم پیش از دست بدامن شدن دادگاه های مذهبی باید بدانید و از حق و حقوق خود آگاه باشید.

- ۱- حق داشتن وکیل
- ۲- حق کمک گرفتن از شاهد برای ثابت کردن گفته های خود
- ۳- حق ارائه مدرک و سند
- ۴- حق شرکت در تمامی جلسه هایی که به پرونده شما مربوط می شود
- ۵- حق درخواست مدارک و اسناد از طرف مقابل تا آنجا که بکار شما مربوط می شود
- ۶- حق داشتن سکرتری دادگاه برای تایپ کردن گزارش دادگاه
- ۷- حق استفاده از ضبط صوت و دوربین فیلم برداری
- ۸- حق دادخواست از مراجع بالاتر در صورت نپذیرفتن رای دادگاه های مذهبی و یا غیرمذهبی

۸- حق مقابله Cross Examination طرف مقابل و شاهدها و مدرک های او این را بدانید که در این دادگاه (داوری - محکمه مذهبی) قاضی ها بیشتر بر طبق باورهای شخص و مذهبی به داوری می نشینند. بدون اینکه روحشان از قانون های مملکتی و ایالتی خبری داشته باشد پس بنا بر این شرط واجب اینست که قبل افتادن به دردرس با یک وکیل ، یا دو وکیل و اگر خواستند سه وکیل، حالا اگر چهار وکیل آگاه در این امر باشند، مشورت کنید و اگر نخواستید هم این کار را نکنید!

کوروش سلیمانی (توماج) آتلانتا

Kourosh454@gmail.com

دکتر افشین اخوت
متخصص بیمه های تجاری
با ۳۰ سال تجربه

- Professional liability (malpractice)
- Workers Compensation ● EPLI
- Cyber/data breach and much more...

- Commercial building ● Shopping centers
- Office buildings ● Apartment buildings
- Restaurants ● Contractors and more...

ارزان ترین نرخ بیمه های تجاری ● ساختمان ● مرکز خرید
کارمند و کارفرما و غیره از معتبرترین شرکت های بیمه

(800) 645-8884
20251 Ventura Blvd., Suite B, Woodland Hills, CA 91364
www.imperialagent.com

شکایت خانواده دانش آموز مقیم سن دیه گو از شرکت هواپیمایی اوکراین به دلیل سرنگونی هواپیما در ایران در سال ۲۰۲۰



بر اساس این دادخواست، «تجاوزات خشونت آمیز و آشکار بین ایالات متحده و ایران که شامل حملات موشکی و پهپادی می شود، به طور گسترده گزارش شده و به خوبی شناخته شده بوده است».

این تنش ها باعث شد که اداره هوانوردی فدرال آمریکا در ۸ ژانویه ۲۰۲۰ دستور اضطراری صادر کند و اپراتورهای آمریکایی را از پرواز بر فراز حریم هوایی ایران و عراق منع کند.

اگرچه این دستور در مورد هواپیماهای مسافربری اوکراینی صدق نمی کند، اما در دادخواست ادعا شده است که دستور FAA در اختیار UIA بوده است، که در دعوی ادعا شده است که باید از «خطر آشکار و فعلی برای پرواز و مسافران» اطلاع داشته باشد.

ایرانشهر: موضوع اساسی این جاست که شرکت هواپیمایی اوکراینی و خود هواپیما و سرنشینان آن به همان اندازه مسافران ، قربانی ماجراجویی مثنی اخوند تبهکار به زعامت خامنه ای جنایتکار و سپاه پاسدارانشان هستند. آنها تنها هنرشان فقط کشتن شهروندان بیگناه و بی دفاع است و در چهارچوب سیاست این رژیم، همیشه قربانی ، قربانیان، خبرنگاران که راز جنایت را فاش می کنند مورد حمله قضایی قرار می گیرند و در نتیجه، نیت واقعی از این شکایت، که در دومین سالگرد این فاجعه صورت گرفته و قربانی را هدف قرار داده است، نامعلوم است. اگر دادگاه فدرال آمریکا این استدلال را بپذیرد بنا بر این باید تمام سرنشینان و مسافرانی را که بالای ۱۸ سال سن دارند و سوار هواپیما شده اند را مقصر اعلام کند!

در شکایت خانواده سارا سعادت ادعا شده است که شرکت هواپیمایی اوکراین باید از نامن بودن پرواز در میانه تنش ها در منطقه آگاه می بود.

خانواده این دانشجوی کالج سن دیه گو که در هواپیمایی سرنگون شده دو سال پیش بر فراز ایران کشته شد، روز پنجشنبه علیه این شرکت هواپیمایی اوکراینی شکایت کردند و مدعی شدند که این شرکت باید از نامن بودن پرواز در میانه تنش ها در منطقه آگاه می شد.

سارا سعادت، ۲۳ ساله، دانشجوی سال اول دکترای روانشناسی بالینی در دانشگاه بین المللی آلیان در اسکرپس ریج، در بین ۱۷۶ نفری بود که در پرواز شماره ۷۵۲ خطوط هوایی اوکراین در ۸ ژانویه ۲۰۲۰ کشته شدند.

نمایندگان این شرکت هواپیمایی به درخواست ها برای اظهار نظر در مورد این دعوی هنوز پاسخ نداده اند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران پس از گذشت سه روز اعتراف کرد که هواپیما را بلافاصله پس از برخاستن پس از شناسایی به اشتباه! به عنوان «هدف متخاصم» ساقط کرده است.

شکایتی که توسط پدر و برادر سارا سعادت در دادگاه فدرال سن دیه گو تنظیم شده ، مدعی است که در روزهای منتهی به حمله موشکی، «ایران و سایر کشورها درگیر تجاوزات آشکارا خصمانه نسبت به یکدیگر و دیگران بودند» از جمله در ۳ ژانویه. حمله هواپیمای بدون سرنشین که منجر به کشته شدن تروریست ایرانی قاسم سلیمانی و شلیک موشک های تلافی جویانه به دو پایگاه عراقی که نیروهای آمریکایی در آن جا مستقر بودند، شد.

آغاز محاکمه رشوه دهندگان ثروتمند برای ورود به دانشگاه ها



از ۱۳ ژانویه، ادامه پرونده های پرداخت پول برای گزینش فرزندان ثروتمندان در دانشگاه که برای مدتی در دوران کرونا متوقف شده بود، از سر گرفته خواهد شد. یک خانواده ثروتمند از پالو آلتو کالیفرنیا که برای تقلب در آزمون فرزندشان ۲۵۰۰۰ دلار پرداخته بودند، پیش از نوبت دادگاه فدرال، به ۲ فقره جرم خود در زمینه تقلب و پولشویی اقرار کردند تا از دوران محکومیت کمتری برخوردار شوند. دکتر گریگوری کولبورن ۶۳ ساله و همسرش امی کولبورن ۵۲ ساله متهم هستند که ۲۵۰۰۰ دلار به ویلیام ریک سینگر پرداخت کرده اند تا او امکان تقلب و نمره بالای آزمون ورودی به دانشگاه را برای پسرشان فراهم نماید. این زن و شوهر، پیش از آن که در ۱۳ ژانویه محاکمه شوند با دادستان فدرال توافق کردند که با اقرار به جرم خود، از محکومیت کمتری برخوردار شوند.

Are you ready to travel?

Could it be COVID?

GET THE ANSWER YOU NEED IN 10 MINUTES WITH OUR

Covid-19 Test

7218 Van Nuys Blvd., Suite D
Van Nuys, CA 91405

13750 Victory Blvd.
Van Nuys, CA 91401

8338 Rosemead Blvd.
Pico Rivera, CA 90660

11017 S. Atlantic Ave.
Lyndwood, CA 90262

(818) 997-7575

سرویس، تعمیر و نصب انواع وسایل برقی
ایرکاتدیشن، کولرهای پنجره ای، اسپلیت و یخچال فریزر

سیروس
(۸۱۸)۸۵۷-۰۳۲۱

اموال شما، متعلق به خود شماست

برای استرداد، تخلیه و خلع ید آن از اشخاص و نهادهای دولتی ایران، از ما کمک بخواهید

رحیم تتری، زهرا توکلی، فهیمه احمدی، شیدا تتری

وکلای پایه یک دادگستری و کارشناسان قوانین ایران در دادگاههای آمریکا و کانادا

Expert on Iranian Law in the Courts of USA and Canada

تهران، ویسسر، بالا ترازخیابان زرتشت، ساختمان زنده، پلاک 1908 کد پستی 21-88909535 +21 88897165-14158

در کانون خبر:

دانشگاه های کالیفرنیا بار دیگر آنلاین می شود



دانشگاه Cal state لانگ بیچ نیز به دیگر دانشگاه‌ها و کالج‌های کالیفرنیا در دیرکرد برای بازگشایی کلاس‌های حضوری پیوست. با افزایش مبتلایان کرونا و گسترش سویه اومیکرون، دانشگاه‌ها قرار بود از ۲۰ ژانویه بازگشایی شوند و تاکنون از ۲۳ دانشگاه Cal state، ۷ دانشگاه اعلام کرده‌اند که کلاس‌های حضوری را ۳ هفته دیرتر بازگشایی خواهند کرد و کلاس‌ها به صورت آنلاین خواهد بود. به نظر می‌رسد که که تمامی دانشگاه‌های Cal state و کالج‌های محلی در صورت ادامه شرایط وخیم گسترش کرونا و افزایش مبتلایان، به برگزاری کلاس‌های آنلاین بپردازند.

صرفه جویی مصرف آب در کالیفرنیا



ایالت کالیفرنیا بار دیگر مقررات محدودسازی استفاده از آب را به اجرا می‌گذارد. این دومین بار است که ایالت کالیفرنیا در یک دهه به سبب رویارویی با کم آبی مقررات ویژه را به اجرا می‌گذارد و از مردم می‌خواهد داوطلبانه از مصرف بیهوده آب خودداری نمایند. اداره منابع آب کالیفرنیا درخواست کرده است تا ۴۸ ساعت پس از بارندگی، به آبیاری چمن‌های جلوی خانه اقدام نکنند و در صورت رعایت نکردن، ۵۰۰ دلار جریمه خواهند شد. ناگفته نماند که گوین نیوسام فرماندار کالیفرنیا در ماه نوامبر ۲۰۲۱ از کالیفرنایی‌ها درخواست کرد داوطلبانه مصرف آب خود را ۱۵ درصد کاهش دهند. ناگفته نماند که بیش از ۸۰ درصد ایالت کالیفرنیا تا پیش از بارندگی‌های ماه دسامبر در خشکسالی به سر می‌برده است.

بودجه ۲۸۶/۴ میلیارد دلاری
گوین نیوسام برای سال مالی جاری



ایالت کالیفرنیا که ۹ سال پایانی از افزایش درآمد برخوردار بوده است، بر اساس بودجه جدید گوین نیوسام، ۱۰ میلیارد دلار را به بودجه رویارویی با Covid-۱۹، گرمایش زمین، بی‌خانمان‌ها و مشکلات آموزشی K-۱۲ می‌افزاید تا بتواند به حل مشکل و چالش ایمنی خیابان‌ها، نابرابری اقتصادی و بی‌خانمانی پاسخگو باشد. در بودجه کالیفرنیا ساخت ۵۵۰۰۰ واحد مسکونی در نظر گرفته شده است که در قالب یک بسته ۱۲ میلیارد دلاری است. این بودجه که پس از بررسی در مجلس ایالتی از سوی قانون گذاران و تصویب آن از روز نخست جولای ۲۰۲۲ اجرایی می‌شود، به سبب گسترش بیماری کرونا ۲/۷ میلیارد دلار برای آزمایش کرونا، استخدام نیروی کار و تامین نیازهای کارکنان بخش بهداشت برای برخورداری از دوران مراقبت در خانه در نظر گرفته شده است. ناگفته نماند که سبب اکثریت دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان، گوین نیوسام به نظر نمی‌رسد که با مشکلی روبرو شود.

بیمه درمانی برای همه مهاجران در کالیفرنیا



گوین نیوسام فرماندار کالیفرنیا که در سال ۲۰۱۹ در آغاز فرمانداری خود پوشش درمانی برای مهاجران زیر ۲۶ سال و بالای ۵۰ سال را به اجرا گذاشته است اکنون در بودجه پیشنهادی خود، پوشش درمانی برای همه مهاجران را از قانونی و غیرقانونی که تاکنون زیر پوشش مدیکل نبوده‌اند را از اول ژانویه ۲۰۲۴ زیر پوشش بهداشت و درمان قرار دهد. این پوشش درمانی که تاکنون ۲/۴ میلیارد دلار هزینه داشته است با ۱/۳ میلیارد دلار هزینه دیگر روبرو خواهد بود که بتواند همه مهاجران را پوشش دهد. که می‌تواند بودجه درخواستی گوین نیوسام را برای سال مالی آینده به ۳۰۰ میلیارد دلار نزدیک کند. گرچه به نظر می‌رسد گوین نیوسام در دوران کرونا با کسری بودجه روبرو شود، اما درآمد کالیفرنیا از سال ۲۰۱۹ تاکنون با افزایش روبرو بوده است.

بودجه بیشتر برای دانشگاه‌های
Cal state و UC

گوین نیوسام فرماندار کالیفرنیا در بودجه پیشنهادی خود، افزایش ۵ درصدی سالیانه در بودجه عمومی را در نظر گرفته است و شرط اصلی آن، محو نابرابریها و افزایش شمار دانشجویان از طبقه کم درآمد است. در بودجه پیشنهادی، افزایش ۹۴۳۴ نفر در شمار دانشجویان Cal State و ۷۱۳۲ نفر در شمار دانشجویان UC برای ترم پاییز امسال است. ایالت کالیفرنیا به ۳ دانشگاه UC Berkley، UC-San Diego، و UCLA که ۹۰۲ دانشجوی جدید خواهند داشت ۳۱ میلیون دلار بودجه بیشتر خواهد داد تا جایگزین شهری ۳۰۰۰۰ دلاری سالیانه دانشجویان غیرکالیفرنایی شود.



توقف ساخت عمارت‌های بزرگ و گران
قیمت و لوکس در Maha Valley



قاضی دادگاه ایالت کالیفرنیا در همراهی با دادستان کل کالیفرنیا و کنشگران محیط زیست، دستور داد تا ساخت عمارت‌های بزرگ و گران قیمت و لوکس در Maha Valley در Lake County به سبب آتش سوزی‌های چند سال گذشته متوقف شود. زیرا این منطقه که بر فراز مناطق شراب سازی قرار دارد، بارها به سبب آتش سوزیها، گریز از خانه‌ها را دشوار نموده است و این عمارت‌های دو منظوره، یکی از مشکلات جابه جایی در دوران آتش سوزی است. ناگفته نماند که پروژه گسترش ساخت عمارت در شراب سازی‌ها که در سال ۲۰۲۰ مورد استقبال قرار گرفته بود که هم به استخدام کارگران کمک خواهد شد و هم به اقتصاد کالیفرنیا، در کارنامه خود آتش سوزی بزرگ پارادایز را دارد که تمامی شهرک در آتش خاکستر شده و هم این که به سبب قرار گرفتن بین ۲ بزرگراه و در هنگام وزش بادهای پرشتاب از امکان کمک رسانی می‌کاهد این پروژه‌ها که متوقف شده است در زمین‌هایی به بزرگی ۱۶۰۰۰ اکر قرار بود هم محل کار باشد و هم محل زندگی.



نازنین مازگانی

وکیل رسمی دادگاه های
کالیفرنیا و فدرال

Law Offices of Nazanin Mazgani
Immigration

- ☒ امور مهاجرتی و تابعیت
 - ☒ گرین کارت، سیتی زن شیب
 - ☒ اخذ ویزای مهاجرتی و توریستی
 - ☒ ویزای سرمایه گذاری
 - ☒ جلوگیری از اخراج از امریکا
- Personal Injury / Accidents
تصادفات / صدمات بدنی
Social Security Disability
(Initial Filings and Hearings)
حقوق مربوط به از کار افتادگی

(310)892 - 0820

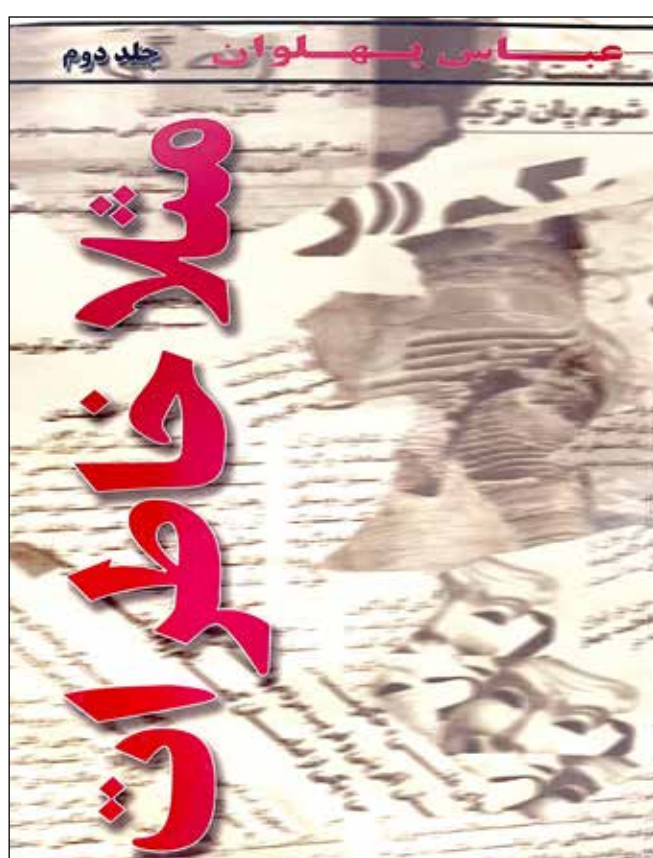
www.mazganilaw.com

کتاب خاطرات جنجالی و بدون سانسور

عباس پهلوان منتشر شد

(جلد دوم)

با یک تماس کتاب خود را سفارش دهید



310-477-7477

ketab.com



خبری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

نسخه قابل چاپ خبرگزاری ایران‌شهر

نخستین خبرگزاری ایرانیان برون مرز

WWW.iranshahrnewsagency.com

رویدادها: مرکز اطلاعات ایرانیان امریکا (OB ایرانیان)

© Copyright 2021 Ketab Corporation

IRANSHAHR Media Group

Printed in: Los Angeles, CA, U.S.A

Paper printed version of:

IRANSHAHR NEWS AGENCY

The first news agency for Iranian abroad

Published by:

KETAB CORPORATION

Founder:

BJAN KHALILI



KETAB CORPORATION
since 1981

این نسخه از ایران‌شهر را می‌توانید هم در رایانه شخصی مطالعه کنید
و هم آن را چاپ نموده و بخوانید

Los Angeles, CA, USA

Tel: 818 9 08 08 08

fax: 818 908 1457

www.08Global.net

در کانون خبر:



مهدی اصلانی، جان بدر برده از کشتار ۶۷ در پست فیس بوک: به مناسبت ۶۴ سالگی اش نوشت:

سر خوردم تو ۶۴ ساله گی.
۶۳ سال پیش زاده شدم. در زمستانی که گرگ دندان بود.
ناحیه ی ده تهران سرراه اکبرآباد کوچه ی شاهین پلاک ۶۸
از مادری دختر دوست و پسوزا. ششمین پسر و فرزند واپسین خانواده ی پراولاد.
هفته ی آینده باید مقابل دادگاه قرار بگیرم و چشم در چشم حمید عباسی به شهادت
بنشینم! هم او که پیک مرگ در زندان گورهدشت بود و بر اراهه ی تباهاش مرگ
جار می کشید.
و حال روزمرگی هایش را در دنج جای انفرادی ماغ می کشد.
حضور در این دادگاه پرت شده گی ی به خاطر ههای خونین است.
در طول حبس سرجمع سه نوبت مقابل کسانانی قرار گرفتم که سرنوشتام
به دستشان بود. اول بار در سال ۶۴ در بی دادگاهی چند دقیقه ای که حکم ام در اوین
به من ابلاغ شد.
دو نوبت دیگر هم به تاریخ ششم و نهم شهریور ۶۷ مقابل هیئت مرگی که نامش
دادگاه نبود.
حالا باید مقابل دادگاهی واقعی قرار بگیرم! نه به عنوان متهم و محکوم، که از
جایگاه شاهد. چه گونه باید گفت و چه؟ از بی شماری که در گوهرکش ترین
مکان عالم در فاصله ی یک آه و ماه، مقابل هیئت مرگ استخوان جان جوانشان بر
خاک پشته های گم گورها شیار شد.
از سرزمین یخی قطب تا گورهدشت ردپای تابستان هویدا است.
آیا عدالت از پسین یخ زده ی آسمان بی ستاره ی قطبی طلوع خواهد کرد؟
و «در آستانه ی فصلی سرد» چه هدیه ای پر بهتر از محکومیت نوری؟

«دیکتاتور پروری»

نوشته : آزاده یگانه

یا قومی و یا مذهبی به ملت و قوم و مذهب دیگر برتری ندارد. این فکر منحرف
که کسی باید با یک ایدئولوژی برتری طلبانه به همه حکومت کند، فقط موجب
پروراندن دیکتاتورهایی مانند هیتلر و خمینی و خامنه ای می شود. تمام بدبختی
بشر از همین پروراندن دیکتاتورهای مذهبی و نژادی و قومی است



دیکتاتوری نژاد پرست آلمانی به رهبری هیتلر فقط نژاد آریایی را برتر می دانست
و می خواست تمام نژادهای دیگر را سر به نیست کند. این تئوری برتری طلبانه
در مورد رژیم فاسد و منحرف جمهوری اسلامی نیز صدق می کند زیرا که
تئوری جمهوری اسلامی این است که مذهب شیعه بهترین و برترین است و
خامنه ای رهبر «تمام» مسلمین دنیاست.
خود بینی و خود پرستی و غرور و نخوت هیتلر و افرادی مانند خمینی و خامنه
ای از یک قماش است.
کسانانی مانند هیتلر که منطق ندارند، با برچسب زنی و اتهام زدن به «غیر خودی ها
» و با سفسطه گری ، سعی در منحرف کردن افکار مردم از «علل به وجود آمدن
مشکلات اصلی» دارند. یکی از علل اصلی به وجود آمدن مشکلات، فقر اقتصادی
است که به علت نادانی و ناتوانی حکومت است که موجب «از هم پاشیدگی
اقتصادی» و فقر اکثریت مردم می شود. ولی دیکتاتورها مردم را شستشوی مغزی
می دهند تا به جای پرداختن به روش صحیح بهبود شرایط اقتصادی با ایجاد تنفر
در مردم موجب جنگ هایی شوند که به خودی خود موجب خسارت های بیشتر
اقتصادی می شوند که جبران ناپذیرند. هر گونه ادعای برتری طلبی به صورت
ملی گرایی و نژاد گرایی و مذهب گرایی خطرناک و مسموم است. هیچ ملتی و

Elaheh Yousefian M.A.
Marriage and Family Therapy

مشاور خانواده



مشاور در زمینه مسائل فردی، زناشویی، امور خانوادگی
درمان بحران های عاطفی، افسردگی، اضطراب
ایجاد اعتماد بنفس با استفاده از هیپنوتیزم

Phone: **310-721-9886**
Fax: **310-472-0333**

جلسه اول رایگان با تعیین وقت تلفنی

520 S. Sepulveda Blvd., # 406
Los Angeles, CA 90049

Registered Licensed MFT
#MFC 47314

LAW OFFICES OF
ALEX KHAEFI
Divorce & Family Law Attorney



الکس خائفی

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا
وکیل خانواده و طلاق

Los Angeles Office
11500 Olympic Blvd, Suite 400
Los Angeles CA 90064

310.444.3054

Orange County Office
27281 Las Ramblas, Suite 200
Mission Viejo, CA 92691

949.328.3279

akattorneyatlaw.com



هادی زنوزی



مشاور شما در زمینه خرید انواع بیمه
خانه، اتومبیل، تجاری، عمر و ...
نماینده رسمی شرکت Farmers

Los Angeles: **323 - 694 - 5577**

As your local Farmers agent, I help customers like you identify
the insurance coverage that best fits your needs.
Languages Spoken: English, Persian, and Turkish



GLWIZ.com

هزینه حمل، بسته بندی و بیمه برای سراسر آمریکا رایگان

شماره کتاب (310) 477-7477
(818) 9-080808
www.ketab.net
12701 Van Nuys Blvd, Unit H, Pacoima CA 91331

Change Package | فارسی | ADVERTISE | SUPPORT | 24/7 | Sign In / Sign Up

GLWIZ PERSIAN

Home | Watch Now | Shop | Register | Agent Locator | About | Contact

Live TV | Persian(87)

My Favourites | All Channels | Persian | Series and Movies | AKATAA | Music

آخرین مدل جی ال ویز - مدل ۵۰۰ به قیمت ۳۳۹ دلار

CHANNEL ONE

شبکه جهانی کانال یک

روزگار نو، اندیشه نو؛ چنل وان، نامبر وان

شبکه جهانی کانال یک، فضایی برای اندیشیدن

| | | | |
|--|--|--|--|
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |

WWW.CH1.CC

CHANNEL ONE

شبکه جهانی کانال یک

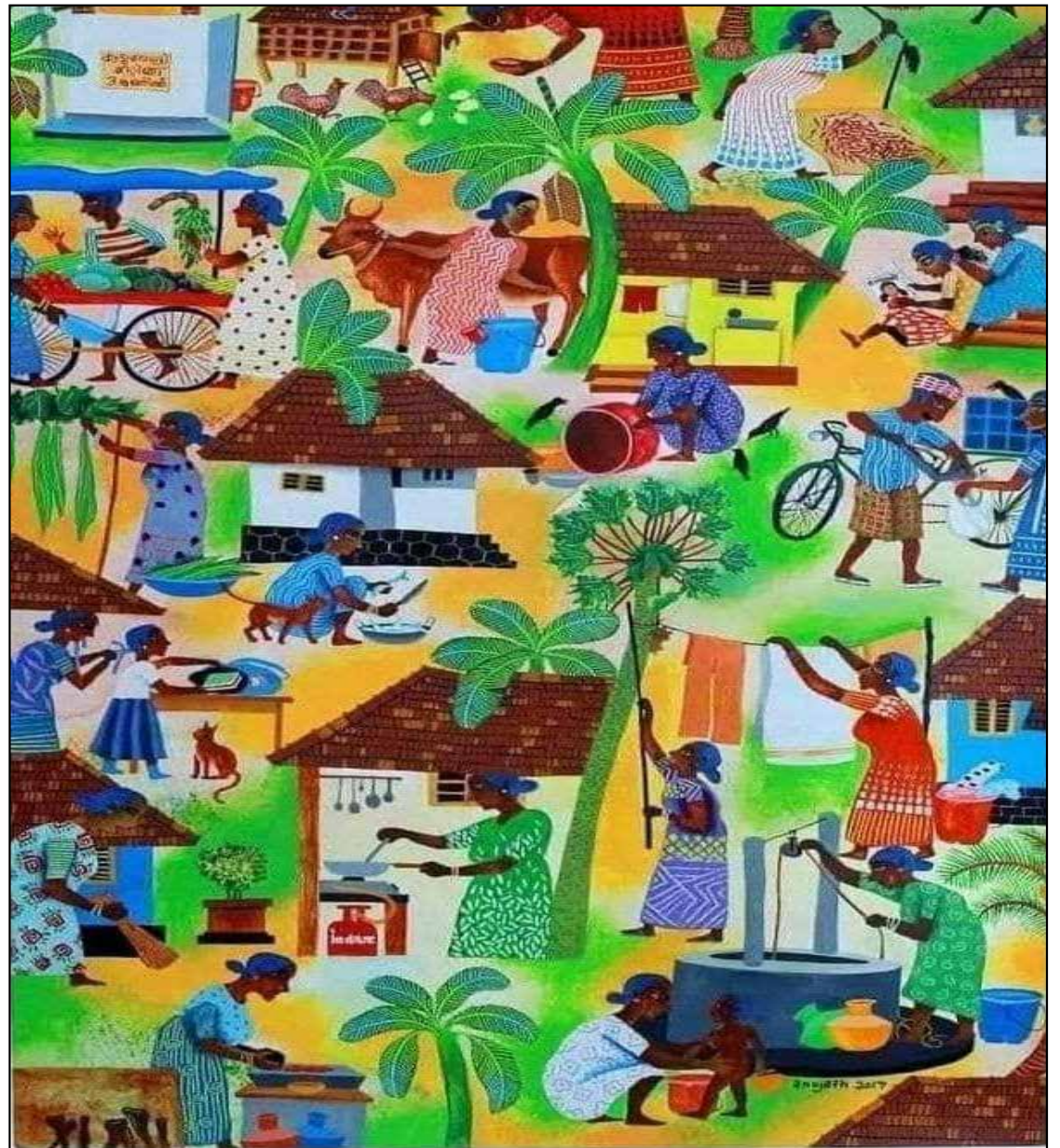
روزگار نو، اندیشه نو؛ چنل وان، نامبر وان

شبکه جهانی کانال یک، فضایی برای اندیشیدن

| | | | |
|--|--|--|--|
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |

WWW.CH1.CC

سخت کوشی مادر و بی مقدار بودن و شدن آن توسط پدر



هنرمند این اثر، دانش آموز کلاس نهم به نام آجونات سیندهو وینایالا از کراالی هندوستان است! آجونات همواره از پدر می شنید که درباره همسر خود، مادر آجونات، می گوید او خانه دار است، کار نمی کند و همواره از این نحوه معرفی مادر حیرت می کرد، زیرا هرگز مادرش را بیچار ندیده بود! وی این نقاشی را کشید تا زحمات بی پایان مادرش را به هم کلاسی های خود نشان دهد! او نقاشی را به معلم خود نشان

ارائه لایحه بیمه همگانی به مجلس کالیفرنیا



قانون گذاران دموکرات در مجلس نمایندگان ایالت کالیفرنیا لایحه بیمه همگانی را به مجلس ارائه نمودند که در صورت تصویب ایالت کالیفرنیا، نخستین ایالت آمریکا خواهد بود که همگان پوشش بیمه همگانی با بودجه دولتی و همراه با مشارکت بیمه شوندگان از نظر حق بیمه پرداختی خواهد بود. این لایحه که ۱۴۰۰۰ نام دارد و نظام تک پرداختی و همگانی Cal Care را ایجاد خواهد نمود که دسترسی به همه پزشکان و بیمارستان ها و داروخانه ها را فراهم می سازد و گروهی از کارشناسان با شرکت های تولید دارو برای کاهش بهای دارو، به گفتگو و چانه زنی خواهند پرداخت. این لایحه از هم اکنون مورد اعتراض اتحادیه پزشکان قرار گرفته و از آن به عنوان دولتی کردن بیمه یاد می کنند. این بیمه درمانی، دوران بستری شدن درازمدت و مراقبت از بیمار را پوشش خواهد داد.

استخدام ۱۰۰۰۰ مشاور و روانشناس برای حل مشکل دانش آموزان



اداره آموزش کالیفرنیا اعلام نمود که برای حل مشکل روانشناسی و مشاوره دانش آموزان که در این دوران کرونا به مشکلات آنها افزوده شده است، در نظر دارد ۱۰۰۰۰ مشاور و روانشناس استخدام نماید. تونی تورنموند رئیس اداره آموزش کالیفرنیا با اعلام این موضوع، اشاره کرد که قانونگذاران باید بودجه لازم را که ۲۵۰ میلیون دلار است برای پاسخگویی به این درخواست بررسی و تصویب نمایند. او افزود که در شرایط کنونی، دولت فدرال نیز بر این نیاز و پاسخگویی به آن واقف است و اظهار امیدواری کرد که با بخشودگی وام های تحصیلی روانشناسان، روان درمانگران و مشاوران بتوانیم از هزینه این برنامه بکاهیم و از این خدمت برخوردار شویم.

تغییر نقشه منطقه بندی برای کرسی های کنگره آمریکا از کالیفرنیا



سال ۲۰۲۲ سال انتخابات میان دوره ای در نوامبر است و از هم اکنون کارزارهای انتخاباتی به ویژه برای کرسی های کنگره آمریکا در کالیفرنیا پس از تغییرات نقشه منطقه بندی داغ تر می شود. هارلی رودا که در سال ۲۰۱۸ برای نخستین بار از سوی حزب دموکرات در انتخابات برای کنگره از منطقه ۴۷ انتخاب شد و در سال ۲۰۲۰ در رقابت با نماینده جمهوریخواه کرسی را به او باخت اکنون در تقسیم بندی جدید باید با کیتی پورتر (Katie Porter) که اکنون نماینده کنگره از منطقه ۴۵ است و در انتخابات ۲۰۲۲ از منطقه ۴۷ باید رقابت کند، برای رای دهندگان دموکرات می توانست مشکل آفرین شود اما هاردی رودا اعلام کرد که خود را کاندید نخواهد کرد. از سوی دیگر میشل استیل که از سوی جمهوریخواهان کاندید

دکتر کایل گیلبرت داستان زندان خود را در یوتیوب بازگو کرد



ایرانشهر: خانم دکتر کایل گیلبرت که به اتهام واهی جاسوسی در بیدادگاه های حکومت اسلامی به ده سال زندان محکوم شده بود پس از گذراندن ۸۰۴ روز در زندان های جمهوری اسلامی طی یک بده و بستان با حکومت استرالیا، در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ آزاد شد. اسکای نیوز استرالیا فیلمی از این شخصیت در یوتیوب به نشانی زیر منتشر کرده است.

اکران عمومی فیلم قهرمان روز ۲۲ ژانویه ۲۰۲۲



آمازون قرار است که از روز ۲۱ ژانویه ۲۰۲۲ فیلم « قهرمان » را اکران کند. فیلم «قهرمان» به کارگردانی اصغر فرهادی در نود و چهارمین مراسم اسکار کاندیدای دریافت جایزه بهترین فیلم بین المللی است. (برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی اکران فیلم به آگهی صفحه ۱۱ توجه کنید) اصغر فرهادی پروسه ی ساخت و آماده سازی فیلم قهرمان را تقریباً در سکوت خبری و به دور از هیاهو پیش برد. تا همین چند وقت پیش تقریباً هیچ اطلاعاتی از خط داستانی و شخصیت های این فیلم در دسترس نبود، «داستان قهرمان درباره ی مردی ست به نام رحیم که به دلیل بدهی در زندان است. هنگامی که او چند روز به مرخصی می آید، متوجه می شود که دوست دخترش یک کیف پر از پول پیدا کرده، اما تصمیم می گیرد از این پول برای پرداخت

زنانی را که جنین مرده به دنیا می آورند نمی توان به اتهام قتل محاکمه کنند



راب بوئتا، دادستان کل کالیفرنیا به دادستان های کالیفرنیا اعلام کرد که نمی توانند زنانی را که جنین مرده به دنیا می آورند را به اتهام قتل محاکمه کنند. این دستور پس از آن صادر شده است که دادستان کینگز کانتی زنی را که به سبب استفاده از مواد مخدر، جنین مرده به دنیا آورده بود به عنوان مجرم به قتل جنین درخواست محاکمه نموده است. گر چه قاضی این اتهام و پرونده را رد کرد. در پرونده دیگر، زنی در سال ۲۰۱۷ به جرمی مشابه به ۱۱ سال زندان محکوم شده است. راب بوئتا می گوید: در تفسیر قانون مجازات برای مرگ کودک به دنیا نیامده نمی توان مادر باردار را محاکمه کرد و برای این رویداد جرم جنایی قتل و یا اقدام به قتل نمی تواند درست باشد.



BBB MOVING SHIPPING & STORAGE

اسباب کشی برای جنوب کالیفرنیا و سایر نقاط آمریکا و کانادا با بیش از ۴۵ سال سابقه

صدقت Honesty
قابل اطمینان بودن Dependability
کمترین استرس Less Stress
احترام Respect

Encourage you to talk to our competitors

www.BBBmoving.com
 18432 OXNARD BLVD
 TARZANA CA 91356
 DoT# 2526974

David Cohanim
 A Former IDF Soldier
866-317-9403
818-402-3139

طنز و خیر:

خبرگزاری ایرانشهروند سرمقاله خبرگزاری ایرانشهروند: نظام اسلامی، خطای حیوانی، سپر انسانی، موشک شیطانی!

ملت رو از اصل ماجرا پرت کنن!
ایرانشهروند تو کنش نمیره که آقایون سبهاها هواپیمای اوکراینی رو زده باشن تا اونو سپر انسانی حمله احتمالی امریکا بکنن! اول اینکه از حمله به پایگاه الاسد چند ساعت گذشته بود و اگه امریکا می خواست جواب بده تا اون موقع داده بود. دویما اگه وضعیت جنگی بود باس آسمون رو پرواز ممنوع می کردن. سیوما اینا که خودشون قبل از حمله با امریکا هماهنگ کرده بودن که نمایش انتقام سخت بگیرن و پایگاه مورد حمله هم که خالی بوده و تازه ظریف وزیر خارجه سابق هم که به امریکایی ها خبر داده بود که همین موشکا انتقام سخت بود و تمام! یعنی همه شون میدونستن که امریکا حمله ای نخواهد کرد که نیازی به سپر انسانی داشته باشن!!! چهارما غیر از این هواپیما، هواپیماهای دیگه هم داشتن از آسمون تهرون عبور و مرور می کردن و پنجم و از همه مهمتر اینکه بعد از سرنگونی هواپیما بلافاصله همه مدارک جرم رو پاکسازی میکنن (حتی وسایل به جا مونده از مسافرای مرحوم رو هم مصادره کردن) و بولدوزر میندازن و تا سه روز هم دروغ میگن ... البته به نظر ایرانشهروند این سیاه بازی ها بخاطر این نبوده که بخوان جنایت رو لاپوشانی کنن چون به هویع هم میفهمه که توی این روز و روزگار پیشرفته تکنولوژی به همین فاجعه ای رو درست وسط آسمون پایتخت مملکت نمیشه پنهون کرد ... به نظرم اینا توی این دو سه روز می خواستن به داستانی سر هم بکنن که خطای انسانی رو از لنگه پاچه شون در آوردن و حلالم بعد از دو سال می خوان سناریوی قربانی کردن بچه های مردم برای حمله نکردن امریکا رو بکنن تو پاچه ما!

ایرانشهروند فکر میکنه به چیز یا چیزایی یا به کسی یا کسانی در اون هواپیمای به خصوص بوده که نباید از ایران خارج میشده (چون اجازه پرواز هم با تاخیر صادر شده و چند نفری هم از هواپیما پیاده شدن و دوباره سوار نشدن!) و نباس اثری هم از آثارش باقی میمونده پس آقایون سبهاها با موشک شیطانی زدن به سپر انسانی و وقتی دیدن موشک اولی با خطای حیوانی نخورد به هواپیما، موشک شیطانی دوم رو زدن به سپر انسانی تا خطای حیوانی موشک شیطانی اولی رو جبران کنن. در حقیقت می خواستن اون هواپیما رو به هر قیمتی شده نابود کنن تا مدرک یا مدارکی که توی اون هواپیما بوده بدست کسی نیوفته! چند روز پیش یکی از وبسایت های وابسته به سیاه قضا ای رو گفت که الان میبینم به این سناریو جور در میاد ... یارو میگه: اون هواپیما داشت جاسوسی می کرد و ما می خواستیم جلوشو بگیریم ولی بعدش مجبور شدیم بزیمش! خیلی مضحکه، میدونم اما اگه به جای کلمه جاسوسی، چیز یا شخص قابل حملی رو بذاریم، به خوبی میشه فهمید که چرا مجبور بودن هواپیما رو بزنی!

ایرانشهروند از همه محققان و جویندگان حقیقت و عدالت استدعا داره تا فهرست همه مسافرها و بارنامه های اون پرواز لعنتی رو دوباره بازیابی کنن تا ببینیم چرا اقتدر سرنگونی و محو کردن اون هواپیما برای نظام اسلامی مهم بوده تا حدی که حتی حاضر شده قبول کنه که اونو عمدی زده و مردم رو سپر انسانی کرده ... تا کسی دلیل اصلی رو نفهمه ...

همزمان با دومین سالگرد سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی با موشک های پدافند سپاه پاسداران، سخنان پدر و مادر دو تن از قربانیان، خبرساز شد. به گفته محسن اسدی لاری و زهرا مجد (والدین محمدحسین و زینب فرزندان ۲۳ و ۲۱ساله) که در دادگاه متهمان پرونده هم حضور داشته اند، برخی مقام های جمهوری اسلامی تأیید کرده اند که در شب حادثه، از این هواپیما به عنوان «سپر انسانی» استفاده شده، تا مانع از حمله احتمالی آمریکا شود! آنها همچنین با انتقاد از روند دادگاه، موضوع بازداشت متهمان را هم زیر سوال برده و می گویند بر اساس شواهد، بیش از پیش، به عمدی بودن این حادثه، باور دارند؛ موضوعی که با یافته های کارشناسان بین المللی نیز همخوانی دارد. اوکراین، کانادا، بریتانیا و سوئد، به تازگی ضمن یادآوری شواهد عمدی بودن هدف قرار گرفتن هواپیما، از پیگیری پرونده در مراجع بین المللی خبر دادند ...

ایرانشهروند ضمن تسلیت مجدد به همه بازماندگان جنایت سرنگونی هواپیمای اوکراینی سعی میکنه تا با کنترل عصبانیت زیب دهن رو هم بکشه و فقط توی دلش به آمران و عاملان این قتل عام هوایی فحش خوار و مادر بده تا شاید یه کوچولو جیگرش خنک بشه ... که نمیشه تا روزی که عدالت برقرار بشه ...

اینی که این پدر و مادر دادگار تا الان کجا بودن و چرا بعد از دو سال با وبسایت انصاف نیوز و روزنامه شرق اصلاح طلب مصاحبه کردن و پته و پوته حسین سلامی فرمانده سپاه و حاجی زاده فرمانده هوافضای سپاه رو ریختن رو آب، نه به ایرانشهروند ربطی داره و نه ربطی به تسویه حسابای داخلی آقایون سبهاها، نه مربوط به دسیسه جدید جمهوری اسلامی میشه! میدونین چرا؟ خیلی ساده اس، اگه شماها تا حالا دیدین یا شنیدین یا خونددین که رسانه ای، مطبوعاتی یا هر چیز اطلاع رسانی دیگه ای توی جمهوری اسلامی بدون اجازه سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات و پونصدتا نهاد امنیتی موازی دیگه خبری یا مصاحبه ای یا تحلیلی بتونه منتشر بکنه که خلاف مصلحت نظام باشه، جایزه دارین. باز اگه فکر کردین آقایون امنیتیا اجازه میدن شخص یا اشخاصی یا نهادی یا هر کوفت حقیقی و حقوقی دیگه ای به کلام زر زیادی یه جا بزنه یا به بالای چشم هر کدوم از رجال سیاسی و نظامی بگه ایرو یا از ش انتقاد کنه یا از ش افشاگری بکنه و بعدشم همینجوری راست راست واسه خودش راه بره (مته خانواده اسدی لاری)، سخت در اشتباهید. عجیبتن که این مصاحبه برای بار دوم و کاملتر با اسم بردن از سردار سلامی به عنوان کسی که عمدی بودن زدن هواپیما رو تلویحی تأیید کرده با روزنامه شرق انجام شده تا مخاطبای بیشتری ببینن و بشنون ... شگفتا که چجوری اجازه انتشار این اتهامات به فرماندهان سپاه داده شده و جمهوری اسلامی که همین الانم بعد از دو سال میگه زدن هواپیما خطای حیوانی بوده داره به انتشار این اخبار دامن میزنه.

شاید به خاطر این باشه که حواس حزب الهی های دو آتیشه رو از نگرقتن انتقام سخت از امریکا بخاطر ترکوندن قاسم سلیمانی پرت کنن ... اما شایدم می خوان با این سناریو که میگه: «هواپیمای اوکراینی رو زدیم تا جلوی یه جنگ بزرگ با امریکا رو بگیریم» حواس

از شبکه های اجتماعی:



در جمهوری اسلامی

۱۲۰ بیمارستان
به اسم امام خمینی داریم
هر ۱۲۰ تاشو شاه ساخته
!!



مراسم روز درختکاری

SUSPENDED DRIVERS LICENSE? WE CAN HELP!

TICKET JUSTICE NETWORK

CALIFORNIA DRIVER LICENSE
H1234567
DOB 08/10/1984
SEX M
HT 5'10"
HAIR BRN
EYES BRN
SSN 999-99-9999

- ★ Suspended Driver License
- ★ Excessive Points & Tickets
- ★ Misdemeanor Tickets
- ★ Overweight Tickets
- ★ DMV & License Problems
- ★ Tickets

Call Us Toll Free
888-244-4447
We Offer Services Throughout The Country
Our network of attorneys can help you with tickets in the United States of American Canada

Kianpour Customs Brokers

خدمات گمرکی
کیانپور

با ۲۶ سال سابقه

تخصص در
ترخیص مواد غذایی

(310) 410-1052
kianpourchb@msn.com
11222 S La Cienega Blvd, #471
Inglewood CA 90304

رادپولورژی دیسک
Accredited by American College of Radiology

انجام آزمایش های سی تی اسکن و ام - آر - آی
با هزینه مناسب.
با انجام آزمایش های فوق فقط هزینه آزمایش های معمولی را می پردازید .

از پزشکانی که درمان شما را به عهده دارند بخواهید که با توجه به مناسبترین قیمت هایی که ما پیشنهاد می کنیم و بهترین سرویسی که می دهیم، این کلینیک را برای امور رادیولوژی شما انتخاب کنند

DISC . DIAGNOSTIC IMAGING SERVICE CENTER, INC.
(818) 986 - 3472
16661 VENTURA BLVD., #100, ENCINO, CA 91436

شیهه گرافیک
سرویس کامل طراحی و چاپ
از تک رنگ تا تمام رنگ - با تحویل سریع

بروشور
فلایر
کارت پستال
کارت ویزیت
پاکت
سرکاغذ
انواع فریم های بازرگانی

کتاب (از ۱۰۰ نسخه به بالا)
جزوه
کاتالوگ
انواع جعبه کالا (طرح و ساخت)

Shiveh Graphics, Inc.
A Full Service Printing Company
Since 1989

(818)996-6060
shiveh@pacbell.net
18730 OXNARD ST #205 TARZANA CA 91356

من و زاون و بهرام (دانشور) در دفتر من از این در و آن در بویژه مطلب زاون در مورد پاورقی نویسان و صدرالدین الهی صحبت می کردیم و این که حیف شد که الهی رفت و این کار را ندید که بهرام گفت، آقا از حالا به بعد به فکر دیگران باشید ، همین حالا که داشتید در مورد پزشک زاد صحبت می کردید ایرانشهر هفته دیگر را بگذارید برای پزشک زاد، بلافاصله زاون و من موافقت کردیم و عزم جزم. روز بعد با حسین حجازی یار غار پزشک زاد که گفتگو می کردم به او گفتم و او هم استقبال کرد. ایرانشهر هفته پیش که در آمد رفتم گلندل و دم قنادهی شاهرضا زاون و بهرام را دیدم و از زاون ، مطلب مربوط به پزشک زاد را گرفتم و بلافاصله آقا داریوش تایپ کرد و دوشنبه شب خودم غلط گیری کردم و برای بهرام ایمیل کردم و از او خواهش کردم که مطلب را برسونه به زاون که غلط گیری نهایی را بکنه و بهرام هم لطف کرده و سه شنبه رسونده بود. زاون چهارشنبه از همه جایی خبر تلفن کرد و گفت که فکر نمی کردم این قدر نوشته ام و غلط گیری مشکل است، گفتم زاون جان، دایی جان امروز پرواز کرده. با این که من خبر را که ساعتی پیش از دکتر کریمی حکاک شنیده بودم وقتی آن را برای زاون بازگو کردم شاید باور کردنی نباشد ، نه فقط او بلکه خودم هم دوباره جا خوردم و دلیل آن روشن است، پزشک زاد در خون و رگ همه ما جاری بوده و جاری هست. به بهمن ، فرزند پزشک زاد ایمیلی در تسلائی پدرش فرستادم در پاسخ نوشت ، .. امروز ، روز غم انگیزی است... برای او نوشتم ... امروز برای هر ایرانی و هر پارسی زبانی روز غم انگیزی بوده است و اگر حکومتی ملی در ایران بر سر کار بود که از طریق آرای دموکراتیک بر سر کار آمده بود باید که امروز را عزای ملی اعلام و پرچم ایران را نیز نیم افراشته به اهتزاز در می آورد که افسوس و صد افسوس این چنین نیست.

بیژن خلیلی

به یاد دایی جان، ایرج پزشک زاد به روایت: زاون

بحث های بی پایان شب های هتل مرمر بود...

... جواد مجابی، هنری نویس و منتقد هنری این سالها، در سلسله مقالات «پاتوق های جوانی ما»، به این دوره پرداخته و نوشته است: ... از این سالها، پای بر و بچه های مطبوعاتی، مخصوصاً گردانندگان صفحات شعر و هنر مجله های هفتگی و ماهانه، به «بار مرمر» باز شد... شعر نو حالا در جنگ سی و چند ساله اش با شعر سنتی و انجمن های ادبی ادیبان متعصب پیروز شده بود با علمداری نشریاتی مانند صدف، آشنا، جهان نو، آرش و البته مجله های نگین دکتر محمود عنایت و خوشه های دکتر عسگری و احمد شاملو و به خصوص بعدها مجله های فردوسی دوره ی عباس پهلوان... که خوراک گپ و گفت و دعوا مرافعه های اهل قلم در این پاتوق، در همین مجله پخته می شد ... فردوسی که منتشر می شد، روزها در کافه فیروز و شبها در بار مرمر جای خالی پیدا نمی شد...

... روایت ناصر نیر محمدی، از سردبیران و نویسندگان سابق فردوسی، از این وجه شاخص مجله هم شنیدنی است:

... یکی از مهم ترین دوره های مجله های فردوسی، دوره ی سردبیری عباس پهلوان است... در آن سالها، او با وارد کردن منتقدان جوان و پرنرژی، باعث شد تا فردوسی به یکی از جنجالی ترین و در عین حال دشمن تراش ترین نشریه های ایران تبدیل شود...

... یکی دیگر از مهمترین ویژگی های فردوسی، جذب شاعران جوان دوره ی خود بود... این مجله، به دلیل فرصتی که برای شاعران نوپرداز به وجود آورد، شاهد چاپ اشعاری از مهم ترین شاعران چند نسل شد... صفحات شعر مجله ی فردوسی در واقع جریانی را پدید آورد که آن را می توان شناسنامه و کارنامه ی شعر مدرن در ادبیات فارسی به حساب آورد...

... حضور منتقدی مثل رضا براهنی و مجموعه مقاله های او در فردوسی از جمله این دگرگونی ها در رسم و راه این مجله است... پهلوان اما متأسفانه در این دوران، مقداری شلتاق کرد... این شاعر را به جان آن منتقد و آن منتقد را به جان این نویسنده می انداخت... حتی کار را به جایی کشاند که نادرپور و شاملو هم به هم حمله می کردند ... به خصوص نادرپور، که در صف مقدم این جبهه گیری های ادبی بود...

... و این هم برداشت و برخورد جهانانویی از این تغییر و تحولات فردوسی در این دوره:

... آخرین سردبیر فردوسی، عباس پهلوان بود که در زمان او، این موج نو و مبحث های مربوط به آن به وجود آمد... این جنگ و جدال های قلمی را خود او شروع کرد و به آن دامن زد... هم به منظور برخورد افکار، و هم به خاطر بالا رفتن تیراژ مجله... خود من هم این برخوردها را می پسندیدم... خواننده هم مشتاق بود و به این جهت، در مجله به آن پر و بال می دادیم... من حواسم بیشتر به مطالب رضا براهنی بود تا دردرساز نشود... براهنی شرور بود و من روی نوشته های او حساس بودم... مثلاً در ماجرای سیاهکل، مقاله یی نوشت که خیلی تند بود... من گفتم این مطلب به مصلحت نیست... همه را می گیرند و مجله را هم تعطیل می کنند و آن را چاپ نکردم... براهنی به پهلوان طعنه زده بود که تو سردبیری یا جهانانویی؟ پهلوان گفته بود: سردبیر منم ولی مجله مال آقای جهانانویی... در هر حال، برخورد شاعران موج نو و شعر نو... تیراژ مجله را حسابی بالا برده بود...

... عباس پهلوان که خود عشق قصه نویسی داشت، در مجله ی فردوسی از معرفی و چاپ داستان های کوتاه نویسندگان جوان و تازه کار هم غافل نبود... در فاصله ی سال های پیش و پس از سردبیری فردوسی، او چندین مجموعه از داستان های خود را هم منتشر کرد: شکار عنکبوت، شب عروسی بابام، مرگ بی وسایل و تشریفات ... داستان های پهلوان، اغلب برگرفته از قصه ها و غصه های مردم کوچه بازار است، با لحن و زبانی نشأت گرفته از ادبیات عوامانه ی خود آن ها... البته با مایه ها و مضامین اکثراً جنسی...

... با وجود چاپ یکی دو داستان در هر شماره ی فردوسی اما، پای پاورقی - برخلاف نشریات دیگر- دیر و با تاخیر به فردوسی رسید. جهانانویی در مورد این تاخیر، توضیح داده است که:

... ما در مجله ی فردوسی، بیشتر دنبال مطالب و مقالات فرهنگی - سیاسی بودیم و به مسائل روز می پرداختیم و صفحات مجله را با پاورقی های ابکی پر نمی کردیم...

مثلاً آقای مهدی بهرام که از نویسندگان مجله بود، اغلب در باره ی استعمار و استثمار می نوشت... یا در دوره یی، در اواسط دهه ی چهل، علیه سیاست آمریکا در جهان و در باره ی ویتنام مطلب می زدیم که بیشتر مورد استقبال دانشجویان قرار می گرفت... وقتی



مراسم امانی کتاب با حضور نویسنده ایرج پزشک زاد سال ۲۰۰۴ میلادی کتابفروشی شرکت کتاب وست وود از راست: حسن حجازی، ایرج پزشک زاد و بیژن خلیلی

محمدی در دست داشتند، هر کدام با سلیقه ی خودش تا این که عباس پهلوان از راه رسید و به لطف زیرکی و حسن تشخیص او، پایگاه همه ی کسانی شد که در مقولات شعر و قصه و سیاست حرفی دیگر از نوعی دیگر داشتند... از خلیل ملکی تا دکتر مهدی بهرام، از نادرپور تا احمد شاملو... از رضا براهنی تا هوشنگ وزیری... و به این ترتیب، فردوسی شد مجله روشنفکران...

... مجله فردوسی بخش های متعدد و متنوعی داشت... از ستون های پر خواننده ی «ملاحظات» و «برای خالی نبودن عریضه» خود عباس پهلوان تا مقالات سیاسی - اجتماعی و فلسفی نویسندگان مطرح و معتبر این سالها از مهدی بهرام و داریوش همایون و محمد جعفر محبوب تا انجوی شیرازی و عبدالحسین زرین کوب... و البته صفحات مخصوص نقد و معرفی فیلم های مهم هفته در سینماهای تهران... که پایه اش را بیژن خرسند گذاشت و در زمان کوتاهی که در دوره ی بلاتکلیفی این مجله، سردبیری اش را بر عهده داشت و به اعتبار او- که خود منتقد و مترجم سینمایی بود- ، پای بسیاری از سینمایی نویسان مطرح سال های بعد، به فردوسی باز شد و به این ترتیب، دو صفحه ی آخر مجله، در این دوره، تبدیل شد به یک جور «کایه دوسینمای» وطنی، که پرچمدارش پرویز دواپی بود و در کنارش نقدنویسان سرشناس مانند جمشید ارجمند، پرویز نوری و کیومرث وجدانی و نویسندگان جوان تر که بعدها، اسم و رسم پیدا کردند...

... در پی توسعه و تحول حرفه و شیوه ی روزنامه نگاری و پاگرفتن نشریات تخصصی، از اواسط دهه ی سی، حضور شاعران در نشریات ادبی علنی تر و بیشتر شد... مجله ی فردوسی در این سالها، نه پاتوق، که ستاد عملیاتی اهل شعر بود... نعمت الله جهانانویی، به حق، مدعی شده که: مجله ی فردوسی تولید کننده و تحویل دهنده ی دو سوم شاعران و داستان نویسندگان دوره ی خودش بود...

... عباس پهلوان در خاطراتش آورده است که:

... بعد از ۲۸ مرداد، توجه به هنر و ادبیات بیشتر و زیادتر شده بود... دوران شعر چارپاره بود و کمی شعر نیمایی... نوعی مضمون پردازی که بویی از ناراضیاتی بدهد... صفحه ی شعر مجله فردوسی سالها در اختیار نصرت رحمانی بود ... خوب هم جمع و جور می کرد... این حال و هوا را، دبیر بعدی صفحه ی شعر یعنی محمد زهری هم حفظ کرد، اما حیف که زیاد در فردوسی نماند. او با دکتر عنایت رودریایی داشت... آن موقع در مطبوعات رسم بود که با عوض شدن سردبیر، عده ای از نویسندگان هم با او می رفتند... نوعی ادای دین و احترام بود... زهری هم مراعات حال دکتر عنایت - سردبیر سابق مجله - را می کرد و قول داد شخص دیگری را معرفی کند و این شخص، کسی نبود مگر آقای رضا براهنی...

... توصیه ی محمد زهری و به خصوص بر خورد خوش و تواضع خود براهنی سرآغاز همکاری ما در فردوسی شد... اما چند هفته یی نگذشت که با او مشکل پیدا کردیم... او سلیقه ی شعری خود را تحمیل می کرد و اغلب نقدهاش در مورد شاعران معاصر بیشتر از سر لجبازی و مسایل شخصی بود و این بود که شاعران معروف وقت با او درگیر بودند و دیگر شعر به مجله نمی دادند... اوج این درگیری ها انتقاد براهنی از چهار شاعر سرشناس وقت یعنی نادر نادرپور، فریدون مشیری، سیاوش کسری و هوشنگ ابتهاج مشهور به سایه بود که با بی انصافی کامل، آن ها را «مرجع مرگ» نامیده بود که این، خودش منجر شد به بگو مگو هایی

با نادرپور... نادرپور به مقابله با براهنی برخاست و حاضر به پاسخگویی شد... من هم استقبال کردم و صفحاتی از مجله را در اختیار او گذاشتم... این نزاع ادبی در مجله، نقل محافل ادبی شده بود و سوژه ی شبانه ی «بار مرمر»، که حالا پاتوق اصلی هیأت تحریریه ی فردوسی و طبعاً مخالفان آن ها بود... و این یک داد و ستد دوجانبه به شمار می آمد:

آذوقه ی مجله از همین دیدارها و بگو مگوها در «بار مرمر» فراهم می شد و خیرها و مقالات مجله، تامین کننده ی خوراک جر و

مجله ی فردوسی:

از مربع مرگ تا بار مرمر

... مجله ی فردوسی از تیرماه سال ۱۳۲۸ تا مرداد ماه سال ۱۳۵۳ - که به دستور امیرعباس هویدا، تقریباً کل مجلات پایتخت به طور فله ای به محاق توقیف و تعطیلی افتادند- مجموعاً در ۱۱۸۱ شماره منتشر شده که سر دبیر ثابت دهه ی آخرش، عباس پهلوان بوده: دوره یی که خود آقای پهلوان آن را «سال های بازی با نارنجک» نامیده...

نعمت الله جهانانویی - مدیر مجله ی فردوسی - در خاطراتش گفته است:

... آقای پهلوان که به فردوسی آمد، مجله تیراژ پایینی داشت... او سبک و شکل و محتوای مجله را به کلی تغییر داد... به مطالب و مقالات و مباحث سنگین، با سلیقه ی خودش تنوع می بخشید و این سبب شد تا «فردوسی» از رکود خارج شود و شکل واقعی خود را نشان دهد...

و این هم یک مرور کوتاه در این سال های نارنجی و نارنجکی به روایت عباس پهلوان:

... زندگی کوتاه سیاسی من با جریان ملی شدن نفت شروع شد... اردشیر امیرشاهی که در دبیرستان دارالفنون دو سه کلاس بالاتر از ما بود، عده یی از برویچه ها را به حزب «زحمتکشان» برد و ما آنجا حوزه ی دبیرستان را در حزب تشکیل دادیم که هم فعال بود و هم پرعضو و پرسروصد... و به همین جهت، نظر رهبران حزب از جمله مظفر بقایی و خلیل ملکی را به خود جلب کرد... با خلیل ملکی از وقتی که از طرف سازمان جوانان حزب به کلاس کادر جوانان معرفی شدم، آشنا شدم... او برای من مثل یک استاد بود... مثل سایر کادرهای بالای حزب از دکتر بقایی تا جلال آل احمد...

... خلیل ملکی از سردبیری من در مجله ی فردوسی خیلی استقبال کرد... خودش هم قول همکاری داد و پس از مدتی با نام مستعار، مقالاتی برای فردوسی می نوشت...

خوشبختانه مجله فردوسی در زمینه های شعر امروز و میان دانشجویان و دانشگاهیان و مسایل ملی موقعیت مناسبی داشت و خوشنامی خود را به اعتبار سردبیرانی چون دکتر عسگری و دکتر عنایت و ناصر نیر محمدی حفظ کرده بود... در سال ۱۳۴۳ که من مجله را تحویل گرفتم، با دوستانم تصمیم گرفتیم در همین زمینه، قوتی به مجله بدهیم...

... مجله در این زمان قاعدتاً به نویسنده و مترجم احتیاج داشت... اول از همه رقتیم سراغ فرامرز برزگر که فرانسه خوب می دانست و علاقه اش این بود که مقالاتی از هفته نامه ی «اکسپرس» ترجمه کند که در آن زمان، از نشریات دست چپی سنگین بود... ما خودمان هم البته در فردوسی مختصری به چپ می زدیم... زمینه ی اکثر روی جلد ها و مقالات و مطالب اصلی مجله در تمام این سالها، اختصاص داشت به مهم ترین وقایع دهه ی ۹۰ میلادی و بعد از آن ... از دنیای هیپی ها و ظهور بیتل ها تا کوبا و البته جنگ ویتنام و اعتراض به جنگ و حمایت تلویحی از ویت کنگ ها و مظلومیت آن ها در مقابل امپریالیسم آمریکا...

... و در حاشیه ی همین توضیحات، نقل یک ماجرای عبرت انگیز از زبان آقای جهانانویی هم خالی از لطف نیست:

... در همان سال های چهل، یک هفته ما عکس چه گووارا را روی مجله فردوسی چاپ کردیم با طراحی کاریکاتورریست مجله آقای محسن دولو... نمونه ی مجله که برای بازبینی ارسال شد، سرهنگ کیانی، سانسورچی ساواک مرا احضار کرد و گفت تیمسار بختیار فرموده عکس روی جلد باید عوض بشه... گفتم قربان ما در موقعیتی نیستیم که هر وقت خواستید مطلب را سیاه کنیم یا عکس را عوض کنیم... مردم می فهمند... مسخره می شویم... کیانی گفت: آقا من نمی دونم... شما حرفی دارید به دفتر ستاد، اتاق تیمسار مراجعه کنید... یک نسخه از مجله را هم برای تیمسار ببرید...

... من رفتم به اتاق تیمسار بختیار... دیدم هفت تیرش روی میز است... گفتم تیمسار خدا شاهد است از این وضع خسته شدم می خواهم خودم را آتش بزنم... بختیار هم همان وقت سرهنگ کیانی را صدا زد و گفت: جهانانویی را ببرید گوشه ی حیاط، روش نفت بریزید، هر وقت خودش خواست کبریت را بزنید... گفتم ای بابا ... آخه پس ما چه کنیم؟ گفت: خودتون سانسور کنید!

صدرالدین الهی، روزنامه نگار و پاورقی نویس پرکار این سالها، در سلسله مقالات «درآمدی بر مقوله ی پاورقی نویسی در ایران» نوشته است:

... در این سالها، فردوسی عملاً جانشین مجله ی «کاوایان» مشفق همدانی شد که نشریه یی دست چپی بود در برابر «تهران مصور» دست راستی و «اطلاعات هفتگی» میانه رو... سردبیری این مجله را به ترتیب دکتر عسگری و دکتر محمود عنایت و ناصر نیر

قشر دانشجو خواننده‌ی مجله‌ی بی باشد، دیگر پاورقی عشقی قبول نمی‌کند...

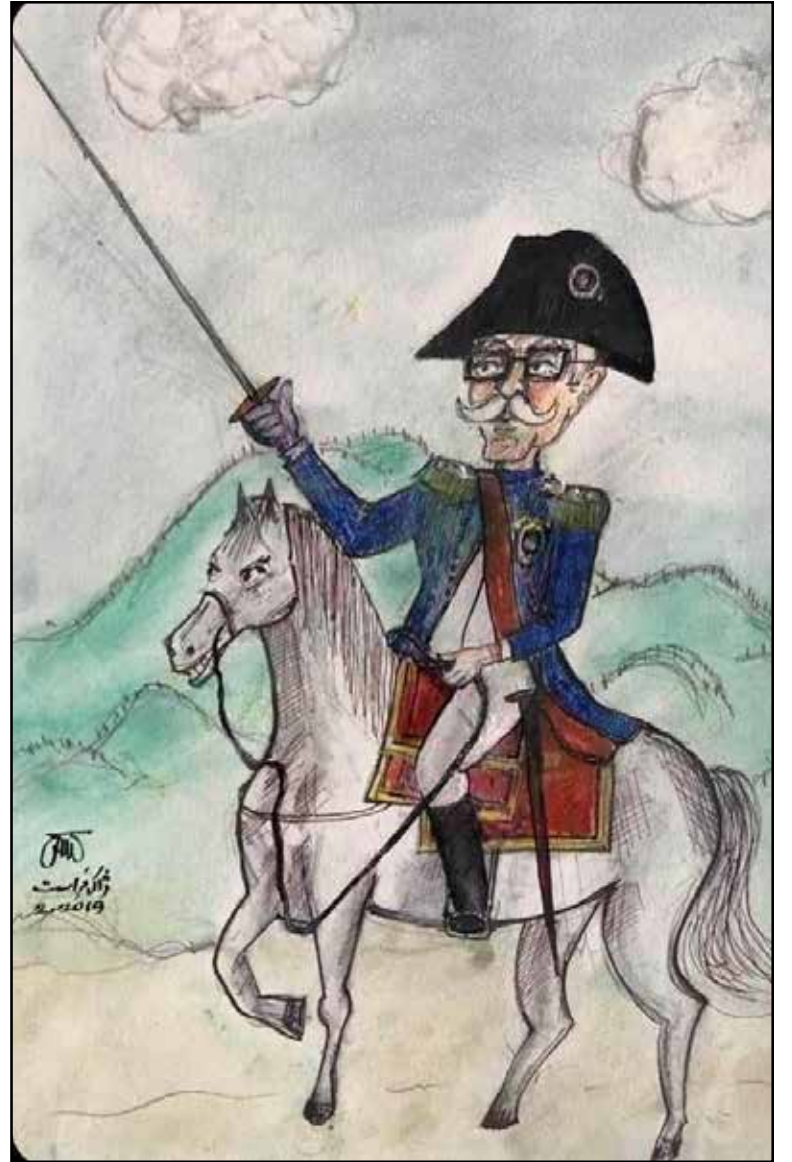
... و با این توضیحات و توجهات، مجله‌ی فردوسی تا دهه‌ی پنجاه بدون پاورقی سر کرد...

... تا ورود یک طنزپرداز ماهر و قدر به جمع هیات تحریریه‌ی آن: ایرج پزشک‌زاد ... و آغاز انتشار یکی از مشهورترین و محبوب‌ترین پاورقی‌های تمام فصول: دای‌جان ناپلئون!

دای‌جان ناپلئون در مجله‌ی فردوسی

عباس پهلوان در کتاب مثلاً خاطرات «خود جابه جا به دوره‌ی مقدماتی فعالیت مطبوعاتی‌اش پرداخته و از جمله نوشته است:

... در میان سردبیران مجلات دهه‌ی سی تا دهه‌ی چهل، یک



جنگ پنهانی و اعلام نشده جریان داشت: ... از سپید و سیاه و تهران مصور و اطلاعات هفتگی تا امید ایران و روشنفکر و ترقی... و همه، برای جلب خواننده، با یکدیگر در رقابت بودند... نویسندگان و گزارشگران حرفه‌ای هم در بورس همین چند مجله بودند، که البته با تمویض سردبیر، راه و روش و ریخت آن مجله هم تغییر می‌کرد...

در این سال‌ها، نشریات موجود، بر سر تیراژ و سوزه‌یابی، کارشان به عداوت هم می‌کشید... با این حال بودند در همان زمان مجلاتی که وارد این زد و بندها و ساخت و پاخت‌ها نمی‌شدند مثل «خواندنی‌ها»، «بامشاد»، «آشفته»، و «آتش»، که این آخری، بعد از وکیل شدن مدیرش - آقای شمس قنات‌آبادی - تعطیل شد...

... و این طور که از شواهد پیداست، مرکز ثقل رقابت‌های مطبوعاتی در سال‌های مورد نظر آقای پهلوان، صرفنظر از سرمقاله‌ها و برخی سرستون‌ها - که مخاطبان خاص خود را داشتند - صفحات پاورقی بوده... با این حال اما، مجله‌ی فردوسی از معدود نشریات هفتگی این دوره است که نه سراغی از پاورقی گرفته و نه وارد این بازار شده... فردوسی حالا به منزله‌ی یک مجله‌ی روشنفکرانه و بلکه ارگان روشنفکران ایران، تیراژ تضمین شده داشت و لذا پای پاورقی، دیر و با تاخیر، به این مجله باز شد... آن هم با شاهده‌ی که از غیب رسید: یک چهره‌ی آشنای دیگر در عالم مطبوعات و سیاست و البته طنزیات ... از طایفه‌ی روزنامه‌نگاران پارسی ... آقای ایرج پزشک‌زاد... مشهور به الف پ آشنا... نویسنده‌ی اولین پاورقی مجله فردوسی با نام «دای‌جان ناپلئون».

... ایرج پزشک‌زاد ... زاده‌ی سال ۱۳۰۶ در تهران... از مادری معلم و پدری پزشک ... به اقتضای شغل پدر، زندگی خانواده از دو سالگی او، در شهرستان‌ها سپری شده تا هشت سالگی‌اش، و بازگشت به تهران:

... پدرم در تهران مطبی باز کرد و بعد از یک سال اجاره‌نشینی، نقل مکان کردیم به باغی بزرگ با چندین عمارت، که ارث پدری مادرم بود و ما حالا در همسایگی اقوام مادری زندگی می‌کردیم. مجموعاً چهارده خاله و دای... هر کدام با بچه‌ها و نوه‌های متعدد ... و به این ترتیب، من در طایفه‌ی بزرگ، بزرگ شدم... پزشک‌زاد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند... قرار بود با توصیه‌ی پدر تحصیلات عالی‌ه را در رشته‌ی پزشکی دنبال کند ... که نکرد... چرا؟ چون زد و عاشق شد:

... اگر فقط یک قسمت از داستان دای‌جان ناپلئون واقعی باشد: همانا قسمت عاشق شدن سعید است به لیلی... آن سعید، خود بنده هستم... که مثل هر بچه‌ی دیگر، اولین دختری را که دیدم عاشقش شدم... ده - دوازده سال عاشق بودم... حتی به خاطر عشق به آن دختر، زندگیم را تغییر دادم... پدرم اصرار داشت من هم پزشکی بخوانم... اما من دیدم اگر بخوام این رشته را تمام کنم، زمان زیادی می‌برد... این بود که رشته‌ام را به حقوق تغییر دادم تا درسم زودتر تمام شود و من به عشقم برسم... ولی در این فاصله، آن دختر عروسی کرد و شد زن یک نفر دیگر...

... پس از ناکامی در عشق اول، پزشک‌زاد عازم فرانسه شد و تحصیلات عالی‌ه در رشته‌ی حقوق را در پاریس طی کرد ... در این سال‌ها، یار غار و رفیق گرمابه و گلستان او یعنی تورج خان فرازمند هم در همان حوالی فرنگ می‌چرخید... فرازمند در واقع مراد پزشک‌زاد بود... در پاریس خوش می‌گذشت اما پزشک‌زاد مجبور شد هر چه زودتر برگردد به تهران... چرا؟ چون حالا دوره‌ی زمامداری دکتر محمد مصدق بود و لیره‌ی ۹ تومانی حالا یکباره رسیده بود به سی و پنج تومان...

... ایرج پزشک‌زاد در تهران، اول به استخدام دادگستری درآمد در مقام قاضی دادسرا که پنج سالی دوام آورد، بعد منتقل شد به وزارت امور خارجه در دوره‌ی وزارت علی اکبر حکمت، و پنج سالی هم در آنجا مشغول به کار بود با عنوان دیپلمات... تا سال ۱۳۳۰، و آغاز فعالیت مطبوعاتی با نوشتن و ترجمه‌ی داستان‌های کوتاه تا دوره‌ی مجله‌ی «بامشاد» اسماعیل پوروالی و علم کردن یک ستون طنز در آن، با اسم مستعار عبدالامیر استمرارزاده‌ی تهرانیپاری!

... در سال ۱۳۳۳، پس از آن که آب‌های کودتا از آسیاب افتاد، ایرج پزشک‌زاد مجموعه‌ی از طنزیات خود را به شکل خاطرات منتشر کرد با عنوان «حاج مم جعفر در پاریس»، و در پایان این دهه، اولین رمان طنز او هم به بازار آمد به اسم «ماشاءالله خان در بارگاه هارون الرشید». و نیز مجموعه‌ی دیگری در حال و هوای طنز اجتماعی - انتقادی به اسم بوبول!

ردپای پزشک‌زاد از اوایل دهه‌ی سی، در مجله‌ی فردوسی دو دوره‌ی سردبیری دکتر عسگری و دکتر عنایت هم پیداست تا اواخر این دهه که طی یک ماموریت دیپلماتیک، دوباره عازم پاریس می‌شود... در بازگشت، از اوایل دهه‌ی چهل، پزشک‌زاد همکاری‌اش با فردوسی را ادامه داده با برپایی یک ستون هفتگی موسوم به «آسمون و ریسمون»، که در آن با زبان طنز و هجو، مدعیان روشنفکری را می‌نواخت یا اگر پا می‌داد، پنبه‌ی «بچه پرووها» را هم می‌زد... اوج کار پزشک‌زاد در فردوسی اما، از سال ۱۳۴۹ شروع شده... با شروع انتشار رمان دای‌جان ناپلئون، به صورت پاورقی در این مجله.

... و این هم روایت خود پزشک‌زاد از این داستان:

... من دای‌جان ناپلئون را در سوییست نوشتم... دوست روزنامه‌نگارم تورج فرازمند در آن زمان آن‌جا بود و من برای ماموریت کوتاهی به ژنو رفته بودم... در آن‌جا، طی ملاقاتی که با هم داشتیم ازم پرسید: تازه چی نوشتی؟ جواب دادم: حدود یک سال است که مشغول نوشتن رمانی هستم به اسم دای‌جان ناپلئون... داستاتم البته در آن موقع نه تمام شده بود و نه پاکتویس کرده بودم... از من خواست آن را براش بخوانم... برای این منظور، به باری رقتیم در نزدیکی محل کارم... و در آن‌جا، من برای اولین بار سه ساعت بی‌وقفه داستان را برای فرازمند می‌خواندم و او در لابلای آن، پیشنهادهای ارزنده‌ی می‌کرد...

... وقتی به تهران برگشتم، در صدد چاپ کتاب بودم... در همان زمان، مدیر و سردبیر مجله‌ی فردوسی از من خواهش کردند که داستان را به صورت پاورقی در مجله چاپ کنم... من پیش از این یعنی چندین سال قبل از کودتای ۲۸ مرداد تا اولین ماموریتی که در سال ۱۳۳۶ به خارج رقتیم، برای فردوسی می‌نوشتم... اما علاقه‌ی بی به چاپ کتاب به صورت پاورقی نداشتم... بعد از مشورت با تورج فرازمند، او گفت که دوران سختی‌ست و سانسور شدیدی حاکم است و اگر کتابت را به اداره‌ی نگارش برای بازبینی بدهی، صدجور ایراد از آن می‌گیرند و سانسور می‌کنند... و بعد برای مثال گفت: مثلاً همین «فرخ لقای سیاهپوش» که در داستانت آوردی، هیچ بعید نیست یک سانسورچی بیاید بگوید که عمه‌ی علیحضرت هم اسمش فرخ لقاست و در نتیجه، تو به ایشان نظر داشتی! ... و خلاصه بعد از این سبک - سنگین کردن‌ها، من رضایت دادم تا کتاب، اول به صورت پاورقی در مجله‌ی فردوسی چاپ شود...

... در حاشیه توضیحات پزشک‌زاد، این نکته یا به قول صدرالدین الهی «این دقیقه» هم گفتنی‌ست که پزشک‌زاد گر چه پنج سالی از تورج فرازمند کوچکتر بود اما این دو، چه به لحاظ ظاهر و باطن شازده ماب، چه خلق و خو و مشرب و مرام، با یکدیگر مو نمی‌زدند... انگار سببی از وسط نصف شده... با همان طعم و همان عطر خوش و البته با همان هسته‌های نصف شده! فرازمند چند سالی زودتر از پزشک‌زاد به جرگه‌ی مطبوعاتی‌ها پیوسته و با مقالات و ترجمه‌هایش اسم و رسمی پیدا کرده و در اندک مدت رسیده بود به دبیری و بعد سردبیری مهم‌ترین روزنامه‌ی وقت یعنی «اطلاعات»...

پزشک‌زاد داستانی دارد به اسم «بارانی سفارتی»، که قهرمانش همین آقای فرازمند است... طبق توضیحات متعدد و مفصل پزشک‌زاد پیرامون شخصیت‌های رمان دای‌جان ناپلئون، ایشان اسم ابوالفضل میرزا که مردی بوده شوخ و شنگ، تحصیلکرده‌ی فرنگ، شیرین زبان و با روابط حسنه با زن‌ها... و این هم جالب‌ترین توضیح:

... این آقای اسدالله میرزا که پرویز صیاد نقش او را بازی کرده، البته «یکخورده» هم شبیه همین رفیقم تورج فرازمنده!

... و اما این طور که پیداست، بعد از تورج فرازمند، عباس پهلوان دومین اهل قلمی بوده که رمان پزشک‌زاد یا دستکم قسمت اول آن را خوانده است... از قرار معلوم، این نسخه را پزشک‌زاد در اختیار او قرار داده بوده تا قبل از شروع پاورقی، نگاهی بهش بندازد... پزشک‌زاد پرسیده: خب چی فکر می‌کنی، قابل چاپه یا نه؟ و پهلوان با همان شم قوی مطبوعاتی و فرصت شناسی‌اش، او را به قول معروف در «امپاس» قرار داده و گفته: به! فرستادمش

چاپخونه!

آقای پهلوان در خاطراتش نوشته است:

... پاورقی دای‌جان ناپلئون حساسی گرفته بود... و کلی طرفدار داشت از طبقات مختلف، و در بالا بردن تیراژ فردوسی هم خیلی موثر بود تا جایی که نصف شب می‌آمدند مجله را که آن موقع قیمتش پنج زار بود دوبرابر می‌خریدند فقط برای آن‌که پاورقی را بخوانند... جوری شد که آن موقع، حق التحریر پزشک‌زاد دو برابر دستمزد همه‌ی ما در فردوسی بود...

... چاپ پاورقی دای‌جان ناپلئون در مجله‌ی فردوسی، هفت هشت ماهی به درازا کشید... و در سال ۱۳۵۰، انتشارات صفی علی شاه، چاپ اول کتاب را به بازار فرستاد با اسم اصلی نویسنده یعنی ایرج پزشک‌زاد...

در همین سال، یک اتفاق ساده، راه را باز می‌کند برای چاپ‌های دوم و سوم کتاب...

این هم شرح ماجرا از زبان خود آقای پزشک‌زاد:

... دوره‌ی تیره و تاری بود... سانسور بود و اختناق مطبوعات... در همین گیر و دارها، در همان اوایل دوره‌ی پنجاه، امیرعباس هویدا، نخست وزیر، در یک مصاحبه‌ی تلویزیونی اعلام کرد که کتاب دای‌جان ناپلئون را خوانده و کلی از آن تعریف کرد و توصیه کرد همه بخوانند... دو ماه بعد هم در یک نشست مطبوعاتی وقتی از او در باره‌ی سانسور سوال شد گفت:

افرادی که از سانسور حرف می‌زنند و می‌گویند ما مطبوعات را تحت فشار گذاشتیم، بروند کتاب دای‌جان ناپلئون را بخوانند و بعد در باره‌ی سانسور حرف بزنند...

... این صحبت‌های آقای هویدا دو جور حُسن داشت... حُسن خوبش این بود که کارمندان دولت طبق توصیه‌ی رییس دولت رفتند کتاب را خریدند... و حُسن بدش هم این بود که محض همین تعریف و تمجید هویدا از کتاب، باعث شد تا قشر تحصیلکرده و چپگراها و منتقدان ادبی ساکت شوند و حتی یک سطر هم در باره‌اش ننوشتند... در آن زمان فقط دو نقد بر این کتاب نوشته شد: یکی به قلم محمد علی جمالزاده و دیگری به قلم بزرگ علوی که این یکی، چون با دولت درگیری داشت، نقدش در مطبوعات چاپ نشد.

... و هر چه اما، اقبال عام از رمان دای‌جان ناپلئون چندان شد که از سال ۵۰ به بعد، هر سال تجدید چاپ شد و رسید به چاپ‌های رسمی هفتم و هشتم و غیررسمی تا الی ماشاءالله!

این هم فرازهایی از یک نقد مفصل بر این کتاب:

... رمان دای‌جان ناپلئون اگر در همان نزاع طبقاتی بین اشراف قجری، طبقه‌ی کارمند، و کاسب مدرن دوره‌ی رضاشاه باقی می‌ماند، شاید در همان سال ۴۹ در قفسه‌های کتاب انتشارات صفی علیشاه خاک می‌خورد... اما ماجرا فقط مربوط به فخرروشی دای‌جان ناپلئون به شوهرخواهرش - آقا جان - نیست... باقی شخصیت‌های این رمان، هر کدام، به سهم خود، اعوجاج روحی طیفی از ایرانیان را باز می‌کنند... یک نقش بندی مینیاتوری از رفتار و خصلت‌های متفاوت ایرانیان... محور رمان بر دیالوگ است و هر صحنه همچون نمایشنامه‌ی پر از بگو و مگوست که با ادبیات فصیح عامیانه زیور شده است... و هر کدام از شخصیت‌ها، چنان لحن و صدای منحصر به فردی دارند که انگاری پزشک‌زاد ضبط صوتی گذاشته و هر کلمه را بدون ویرایش، ثبت کرده... تکیه کلام‌ها جاندار است و در خاطره‌ی چندین نسل، ماندگار شده و هنوز وقتی بشنویم: دروغ چرا تا قبر آآ... بلافاصله مش قاسم در خیالمان قدم می‌زند...

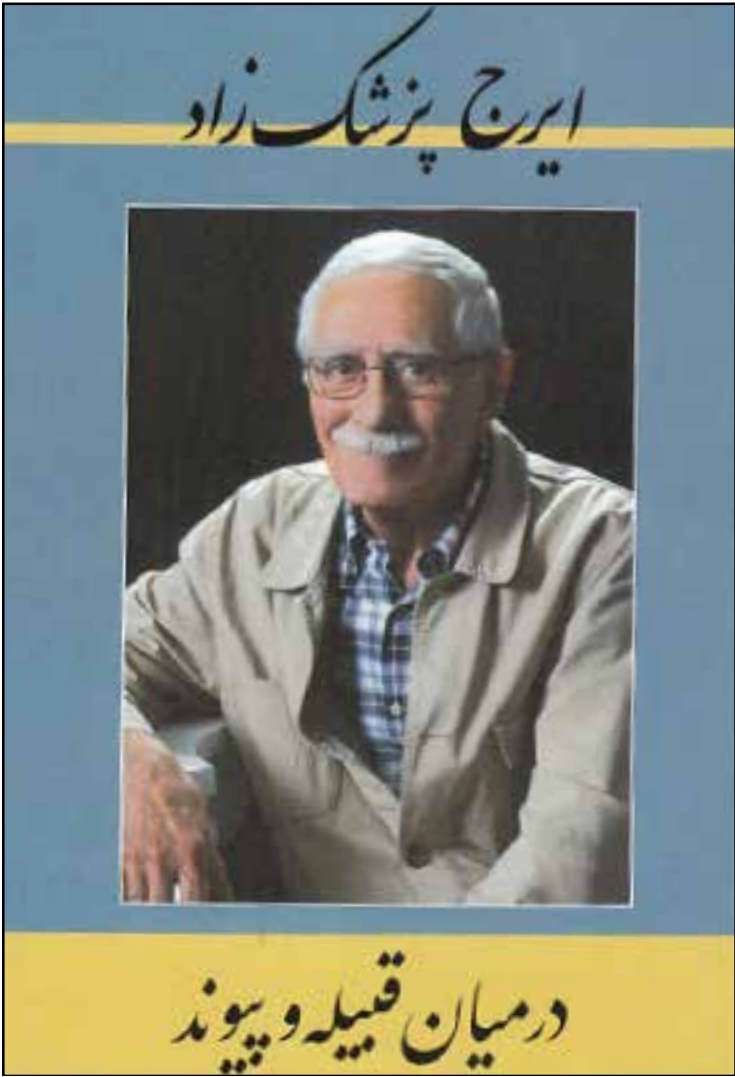
پزشک‌زاد گفته و نوشته است که:

...تم اصلی رمان دای‌جان ناپلئون، رویارویی یک طبقه‌ی قدیمی مفتخور و بی‌جهت عزیز است با طبقه‌ای که با تحصیل و تخصص، داره ترقی می‌کنه... در بستری از طرح توطئه و توهم که: کار، کار انگلیسی‌یاس! ... دای‌جان ناپلئون در اصل، پدر خود بنده است که گر چه طیب بود معهدا به زعم او، هر اتفاقی که در دنیا می‌افتاد، دست انگلیسی‌ها در کار بود و می‌گفت: کار، کار انگلیسی‌یاس!

... پزشک‌زاد در توضیح گرفتاری پدرش با تنوری طرح توطئه‌ی انگلیسی‌ها، خاطره‌ی از دوران کودکی‌اش هم چاشنی کرده: طبق این روایت، در روز ورود ولیعهد یعنی محمدرضا پهلوی همراه همسر مصری‌اش - شاهدخت فوزیه - از قاهره به تهران، شاگردان مدارس را به صف کرده، دست هر کدام یک بیرق ایران و یک بیرق مصر داده و آن‌ها را به خیابان امیریه برده‌اند برای استقبال از زوج سلطنتی ... بعد از ختم مراسم، ایرج خردسال از کاروان جا می‌ماند و راه خانه را گم می‌کند...

دای‌جان ناپلئون در تلویزیون

... می‌توان گفت کتاب هیچ نویسنده‌ی ایرانی در صد سال اخیر، به اندازه‌ی دای‌جان ناپلئون، این چنین مخاطب نیافته و شخصیت‌هایش این اندازه در ذهن و زبان مردم نزیسته و یا در فرهنگ سیاسی - اجتماعی ایران جای نگرفته... دای‌جان ناپلئون امروزه به زانری سیاسی تبدیل شده و با الصاق این عنوان بر رفتار کسی، وصفی کامل و همه فهم از او ارایه می‌شود...



آخرین کتاب ایرج پزشک زاد، انتشارات شرکت کتاب

درست شده بود، نامه‌های اعتراض آمیز زیادی به دست پزشک‌زاد رسید... از جمله نامه‌ی یک آخوند که مفهومی تقریباً این بود: ... آقای نویسنده! یکی از شخصیت‌های رمان شما فردی است به نام اسدالله میرزا که مدام حل تمام مشکلاتش را در رفتن به سانفرانسیسکو می‌داند... من می‌خواهم از شما سوال کنم: اگر بنده زاده یا آقازاده‌ی شما بیاید این شعار اسدالله میرزا را سر لوحه‌ی زندگی‌اش قرار دهد، شما احساس خجالت نمی‌کنید؟

ناصر تقوایی در این باب گفته است:

... اسدالله میرزا یک دون ژوان تمام عیار می‌بایستی می‌بود... مردی که سخت به زن‌ها علاقه دارد و به شدت مورد توجه خانم‌هاست: شیرین زبانه، دو تا زبان فرنگی بلده، شغل خوب و درآمد خوب دارد... آراسته است... و همه‌ی این‌ها، در شخصیت خود پزشک‌زاد جمع بود یک جا... در آن سال‌های جوانی، شاید نصف زن‌های تهران عاشق پزشک‌زاد بودند... من حتی پیشنهاد کردم این نقش اسدالله میرزا را خود پزشک‌زاد بازی کند ولی این دفعه، نه با پرهیز همیشگی، بلکه با مخالفت اکید عذر خواست... نگرانی بعدی ایرج پزشک‌زاد بعد از انتخاب بازیگرهای سریال، پیدا کردن محل سکونت دایی جان و اطرافیانش یا به قول اهل فن لوکیشن داستان بود که این دغدغه هم با انتخاب هوشمندانه‌ی ناصر تقوایی برطرف شد... محل مورد نظر هم جایی نبود مگر باغ و عمارت امین‌السلطان، صدراعظم سه دوره‌ی ناصری و مظفری و محمدعلی شاهی... میراث باقی مانده از حراج لاله‌زار توسط ناصرالدین‌شاه که بعد از ترور او، توسط حاج رحیم اتحادیه خریداری شد و حالا معروف بود به باغ اتحادیه...

پزشک‌زاد گفته است:

عجیبه اما خانه‌ای که تقوایی پیدا کرده بود، شبیه‌ترین محل به خانه‌ی فرضی دایی جان بود... او وقایع چند سال داستان را در چند ماه فشرده بود و هنر بزرگش، ایجاد همان فضا و حال و هوای رمان بود... تقوایی در فیلم، در بسیاری از صحنه‌ها آنچه‌آن فضای مشابهی با ذهن من ساخته بود که هنگام تماشا، خودم را در میان بازیگران و در خانه‌ی خود دایی جان احساس می‌کردم... هر وقت نظر مرا در باره‌ی سریال دایی جان ناپلئون پرسیده‌اند، چیزی جز تمجید و تحسین نشنیده‌اند...

ایرج پزشک‌زاد در یکی از نشست‌های خودمانی‌اش در لندن، خاطره‌ای هم تعریف کرده که به شنیدنش می‌ارزد... مسعود بهنود که در این جلسه حضور داشته، این خاطره را در گزارش خود به ثبت رسانده است:

... در قسمتی از این برنامه، پزشک‌زاد با خواندن بخشی از تازه‌ترین کتابش - گلگشت‌های زندگی - حکایت روزی را باز گفت که از لس آنجلس با هواپیما عازم واشنگتن بوده و مشغول نوشتن ... مسافر دیگری که کنار او نشسته بود، با دیدن خط فارسی به شوق می‌آید و خود را معرفی می‌کند: یکی از وزیران رژیم پهلوی...

... پزشک‌زاد گفت چون حتم داشته که اگر خود را بشناساند، تمام مدت را باید به گفتگو در باره‌ی دایی جان ناپلئون به سر کند، این است که خود را با نام ابراهیمی معرفی می‌کند اما این مانع سخن گفتن هموطن نمی‌شود... او از گذشته‌ها شروع می‌کند تا سرانجام بدان جا می‌رسد که در انتخابات آمریکا که آن موقع در جریان بود، انگلیسی‌ها دست دارند و عامل تعیین کننده، خود انگلیسی‌ها هستند.

و این هم دنباله‌ی داستان به نقل از پزشک‌زاد:

... با چشمانی برآمده از آن هموطن پرسیدم: انگلیسی‌ها در انتخابات ایالات متحده هم اثر دارند؟ گفت: کجا ندارند؟ در همین کشور خودمان چه کارها که کرده‌اند از مشروطیت تا به امروز ... بعد خودشان رفته‌اند کتاب نوشته‌اند به اسم دایی جان ناپلئون که ما را بفریزند تا نفوذشان را به سخره بگیریم... با تعجب پرسیدم: یعنی نویسنده‌ی این کتاب سوء نیت دارد؟ گفت: نه «نه خیر ... ایشان حسن نیت تمام دارد اما به کجا؟ به انگلستان!

آقای تقوایی در این سال‌ها از چهره‌های مطرح در حیطه‌ی ادبیات و سینما بود... از دست پروردگان دم و دستگاه ابراهیم گلستان... زاده‌ی جنوب و شیفته‌ی آداب و ادب بومی ... او تا آن موقع، یک مجموعه داستان توقیف شده داشت به اسم «تابستان همان سال»، و سردبیر یک مجله‌ی توقیف شده بود به نام هنر و ادبیات جنوب، و یک فیلم توقیف شده به اسم «آرامش در حضور دیگران» با داستان تلخ غلامحسین ساعدی ... به علاوه‌ی مقادیری فیلم مستند اغلب با مضمون آیین و مراسم مخصوص مردمان جنوب کشور... تقوایی در اوایل دهه پنجاه، دو فیلم سینمایی هم ساخته بود با اسامی «صادق کرده» و «نفرین»، هر دو با داستان و پایانی تلخ و تیره... و به جرات می‌توان گفت تا آن وقت، کمتر کسی پیدا می‌شد که حتی لبخند تقوایی را دیده باشد چه برسد به خنده‌اش... تقوایی در واقع وقتی رمان دایی جان ناپلئون را در دست گرفت، لبخندش گل انداخت و به قول معروف، نیشش تازه باز شد...

...انتخاب ناصر تقوایی توسط ایرج گرگین برای ساختن سریال دایی جان، حتی موجب حیرت خود او هم شده بود... تقوایی تا آن موقع، به قول خودش نه کار طنز و کمدی کرده بود و نه کار تلویزیونی... خود او با خنده گفته است:

... دایی جان ناپلئون اولین متن طنزی بود که من باهاش روبه رو می‌شدم و اولین تجربه‌ی من در کار طنز بود و تعجب می‌کنم که آقای گرگین چی شد که برای ساختن یک داستان طنز، یاد من افتاده؟

... و باری، در جلسه‌ی اول با گرگین، تقوایی کتاب پزشک‌زاد را می‌گیرد و پاسخ قطعی را موقوف می‌کند به بعد از مطالعه‌ی کتاب... در همان روز یا همان شب، سفری داشته به شیراز، و سی چهل صفحه از کتاب را خوانده بود که به محض رسیدن به فرودگاه، زنگ می‌زند به گرگین و با خنده می‌گوید: می‌سازمش! ... ایرج پزشک‌زاد در خاطراتش توضیح داده که ناصر تقوایی را از خیلی وقت پیش به طور اتفاقی در یک پیک‌نیک دسته جمعی دیده و شناخته ... فیلم «آرامش در حضور دیگران» او را هم تماشا کرده و پسندیده اما در آن وقت، دغدغه‌ی اصلی‌اش این بوده که این جوان - که هنگام وقوع حوادث داستان دایی جان کودک خردسالی بیش نبوده - آیا از عهده‌ی کار برمی‌آید یا خیر... تقوایی در این زمان، سی و چهار ساله بود...

... در دیدارهای بعد، تقوایی از آقای پزشک‌زاد می‌خواهد تا در نگارش فیلمنامه با او همکاری کند که پزشک‌زاد به دلیل نداشتن سررشته از این کار، عذر می‌خواهد ... بعد، تقوایی پیشنهاد می‌کند ایشان در فیلم باز کند در نقش شخصیتی میانسال که خاطرات جوانی‌اش را حکایت می‌کند که باز هم عذر می‌خواهد، هم به علت مشغله‌ی زیاد و هم به سبب وحشت از دوربین و میکروفون...

... ایرج پزشک‌زاد گفته است:

... تنها موضوعی که من به تقوایی یادآوری کردم این بود که چون شکل و قیافه‌ی ظاهری و تحصیلات و موقعیت اجتماعی پرسوناژهای رمان بر عهده‌ی دیالوگ است، رعایت اصالت دیالوگ‌ها برایم نهایت اهمیت را دارد و دیدم که خود او، هوشیارانه به این نکته توجه کافی کرده... با این حال، من حالا دغدغه‌ی انتخاب بازیگران را داشتم، و برای کمک به تقوایی، به این فکر افتادم که تصویری از شکل و شمایل پرسوناژهای داستان را - آن طور که در ذهنم متصور بودند - روی کاغذ بیارم... با وجودی که در نقاشی هم سررشته نداشتم، چندین شب، وقت صرف کردم و هر طور بود تابلویی تهیه کردم که تجسم خانواده‌ی دایی جان بود در یک عکس یادگاری دسته جمعی... دایی جان روی صندلی نشسته و سایرین پشت سر او ایستاده‌اند ... وقتی تابلو حاضر شد و می‌خواستم آن را به تقوایی برسانم، خیردار شدم که انتخاب بازیگران انجام گرفته و تابلوی من دیگر به درد نمی‌خورد!

... خبر انتخاب هنرپیشگان سریال البته تمام رشته‌های آقای پزشک‌زاد برای به تصویر کشیدن پرسوناژهای داستان را پنبه کرد و باعث دلخوری و پکری او شد اما این حالت به درازا نکشید... چرا؟

... چون وقتی صورت بازیگران انتخاب شده را دیدم و شناختم، شادمانی‌ام، تاسف بر وقت تلف شده برای نقاشی را از یاد برد، زیرا شباهتی که بین صورت‌های ذهنی من و هنرمندان منتخب تقوایی وجود داشت، واقعا حیرت‌انگیز بود...

... و این هم ناگفته نماند اما که تابلوی پزشک‌زاد هم به درد خورد منتها به عنوان طرح روی جلد یکی از چاپ‌های رسمی کتاب...

... در مورد شباهت‌های ناگزیر بازیگران برگزیده توسط ناصر تقوایی، اشاره به یک نکته هم خالی از فایده نیست: پزشک‌زاد گفته تنها پرسوناژی که قیافه‌اش در سریال، با آن چه که او در ذهنش پرورانده و نقاشی کرده بود تفاوت داشت، اسدالله میرزا بود... از قرار معلوم، مدل اسدالله میرزا در تابلوی پزشک‌زاد، هنرپیشه‌ی سرشناس فیلم‌های موج نوی پاریسی، و بازیگر مورد علاقه‌ی دوران جوانی او و فرازمتد یعنی میشل پیکولی بوده که به لحاظ قد و قواره و قیافه با بازیگر این نقش یعنی پرویز صیاد جور در نیامده است...

و باری، فیلم - سریال درست شد و به خانه‌ی مردم رفت و همه آن را دیدند حتی آخوندها، و بعد از آن، یک پیوند مقدس یا نامقدس، بین آخوندها و سکولارها برقرار شد و شروع کردند به حمله کردن به فیلم، و این درست زمانی بود که ایران، فضای نیمه باز سیاسی را تجربه می‌کرد... درگیر و دار همین موج مخالف که

... دایی جان ناپلئون روایت چهار پنج ماهه‌ی آخر زندگی پیرمردی سودایی مزاج در روزهای منتهی به شهریور سال بیست و اشغال ایران از سوی متفقین است... نویسنده، هوشمندانه برای داستانش تاریخی را انتخاب کرده که ایران، تقریباً بی‌حکومت است و طنز کوبنده‌ی کتاب - که دامنگیر دولت نیز می‌شود - به کسی برنمی‌خورد و می‌تواند در عصر پهلوی دوم، به چاپ برسد... دایی جان، راوی قصه‌های رفته از یاد است و حماسه‌هایی که شاهده‌ی ندارند جز مردگان... با این حال، مش قاسم - نوکر خانه زاد او - به نمایندگی از همه‌ی آن‌ها که خیالشان را در رویای دیگران می‌بافند، حجت موجه تمام آن پهلوانی‌هاست که با صدای مشکوک دایی جان سرهنگ - برادر دایی جان ناپلئون، لکه‌دار می‌شود و قصه، با همین صدای مشکوک آغاز می‌شود...

... خود ایرج پزشک‌زاد در باب تاثیر رفتار و گفتار شخصیت‌های رمان دایی جان ناپلئون بر خواندگانش، حکایات بامزه‌ی دارد از جمله ماجرای سخنرانی‌اش برای دانشجویان:

... در آن زمان، دولت تصمیم گرفت کارمندان ارشد وزارت خارجه، برای دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی و اقتصادی، جلسات سخنرانی ترتیب بدهند... من آن موقع ریاست بخش اروپای غربی را بر عهده داشتم و لذا به بنده هم تکلیف شد برای سخنرانی پیرامون پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو ... در این جلسه، با حضور ۵۰۰-۶۰۰ دانشجو، من گزارشی مفصل ارایه دادم همراه با توضیحات مبسوط در باره‌ی ناتو و پایگاه‌هاش در کشورهای مختلف... و سپس، بخش پرسش و پاسخ شروع شد... و اولین پرسش چی باشه خوبه؟

- آیا پیمان ناتو در سانفرانسیسکو هم پایگاه داره؟

... از این سوال، یکباره جا خوردم... تکان خوردم... مثل این بود که زلزله آمده... یکدفعه صدها نفر از حاضران در جلسه، زدند زیر خنده به طوری که پنجره‌ها و شیشه‌های سالن به لرزه درآمدند... ماندم معطل... چون در آن لحظه، تنها چیزی که در ذهنم نبود، سانفرانسیسکو اسدالله میرزا بود!

... با عشق و ریشه رفتن دانشجویان، رییس و کارکنان دیپارتمان هم به خنده افتادند و گفتند: چاره چیست... سوال است دیگر! و بله معلوم شد که خود برگزار کنندگان جلسه‌ی ناتو هم، بیشتر از بحث ناتو، منتظر جواب پزشک‌زاد بودند به این سوال کننده ناتو!

... در فاصله‌ی سال‌های ۵۰ تا ۵۴، کتاب دایی جان ناپلئون سالی یکی دو بار تجدید چاپ شده و رسیده بود به چاپ هفتم و هشتم که تلویزیون ملی ایران در صدد برآمد تا از روی آن یک سریال تلویزیونی بسازد... سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران در این زمان، هم در رادیو و هم در تلویزیون، دو شبکه‌ی مستقل داشت... در تلویزیون، شبکه‌ی یک را از قضا رفیق شفیق ایرج پزشک‌زاد یعنی آقای تورج فرازمتد بر عهده داشت و شبکه‌ی دو را هم ایرج گرگین اداره می‌کرد و به این اعتبار، معروف بودند به شبکه‌ی ایرج و تورج ...

طرح تولید سریالی بر اساس رمان دایی جان ناپلئون البته ابتکار و پیشنهاد آقای گرگین بود اما چه بسا با تئانی آقای فرازمتد...

... ایرج پزشک‌زاد گفته است:

... برخی آدم‌ها یکدیگر را می‌گیرند و احساس متقابلشان ماندگار می‌شود... من از پنج سالگی با فرازمتد دوست بودم... مادر او که فعالیت فرهنگی داشت مثل پدر من که پزشک دولتی بود، دایما و غالباً در ماموریت از این شهر به آن شهر بودند و من و تورج در کرمانشاه همدیگر را پیدا کردیم و رفیق شدیم به مدت ۷۵ سال... فرازمتد در واقع همزاد من بود و سلیقه‌ی او برایم مهم بود... اگر چیزی می‌نوشتم و تورج خوشش نمی‌آمد می‌انداختمش دور... در ماموریتی که به ژنو رفته بودم، برای اولین بار رمان دایی جان را برایش خواندم... او به جای آن که مثل همیشه حواسش به این طرف و آن طرف باشد و دایما چشم چرانی کند، تمام هوش و گوشش به من بود... و هر جا که او تذکر می‌داد یا پیشنهاد می‌کرد، من همه را همان‌جا رعایت می‌کردم...

... تورج فرازمتد از دهه‌ی چهل به بعد، علاوه بر کار مطبوعاتی و سردبیری روزنامه‌ی اطلاعات، دستی هم در تهیه و اجرای برنامه‌های رادیویی داشت... تفسیر سیاسی هشت دقیقه‌ای او که هر روز بعد از اخبار - ساعت دو بعد از ظهر، از رادیو پخش می‌شد، هم به خاطر متن، و هم لحن و آهنگ اجرای او، جزو پرمخاطب‌ترین برنامه‌های رادیو بود... او در این دهه‌ی چهل یک پاورقی رادیویی هم با همکاری ایرج گرگین در رادیو نوشت و اجرا کرد با عنوان «جنگ جهانی دوم»، که آن را باید در ردیف اولین سریال‌های رادیویی با استاندارد بالا به حساب آورد ... فرازمتد پیش از این، خاطرات وینستون چرچیل، نخست وزیر زمان جنگ بریتانیا را هم با همین عنوان «خاطرات جنگ جهانی دوم» ترجمه کرده بود که در سال ۴۷ در دوازده جلد به بازار آمد...

... پس از ادغام رادیو و تلویزیون و تاسیس سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران با ریاست رضا قطبی، تورج فرازمتد دعوت به همکاری با این سازمان شد و از آن پس، در مقام برنامه‌ساز، سرپرست بخش اخبار سیاسی و بالاخره مدیریت شبکه‌ی اول رادیو و تلویزیون مشغول به کار شد و در همین دوره است که در برنامه‌های تلویزیونی، انقلابی رخ می‌دهد... سریال «مراد برقی» پرویز کاردان، شوی «سیمای آشنای» پرویز قریب افشار، «میخک نقره‌ای» فریدون فرخ‌زاد و شوهای «رنکارنگ» از تولیدات این دوره در شبکه‌ی یک هستند... و یک تکخال، در شبکه‌ی دو: سریال دایی جان ناپلئون

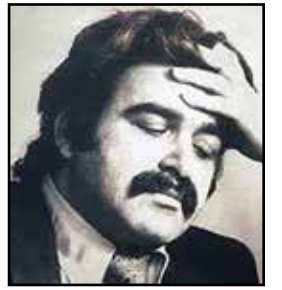
... ایرج گرگین از همان اول کار، برای کارگردانی سریال دایی جان ناپلئون، ناصر تقوایی را نامزد کرده بود...

روز شمار تاریخ، فرهنگ و هنر ایران

۱۴ ژانویه تا ۲۰ ژانویه (۲۴ دی تا ۳۰ دی)

استفاده از این منبع برای کلیه همکاران رسانه‌ای با ذکر ماخذ آزاد است.

آدینه ۲۴ دی ۱۴ ژانویه



۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)
زادروز غلامحسین ساعدی، نویسنده ی داستان، فیلمنامه، و نمایشنامه
۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)
تظاهرات برخی از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا به عنوان اعتراض به ورود فرح پهلوی به آن کشور
۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)
قتل دکتر احمدتفضلی، نویسنده، مترجم و کارشناس زبان پهلوی (ازسری قتل های زنجیره ای)

۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)
درگذشت محمد قاضی، مترجم
ترجمه های محمد قاضی در شرکت کتاب موجود است
۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
درگذشت غلامرضا طباطبایی بایزگی سینما تئاتر تلویزیون ایران و عضو ارشد انجمن بازیگران خانه سینما در لوس آنجلس.

شنبه ۲۵ دی ۱۵ ژانویه

۱۳۳۰ خورشیدی (۱۸۵۲ میلادی)
اعدام طاهره قره‌العین (عالم، سخنور، شاعر) در باغ ایلخان تهران
کتاب های گوناگون در مورد طاهره قره‌العین و اشعار او به فارسی و انگلیسی در شرکت کتاب موجود است
۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی)
مجلس شورای ملی، تأسیس بانک رهنی ایران را با سرمایه ۲۰۰ میلیون ریال تصویب کرد
۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)
تصویب طرح مربوط به چاپ فرهنگ علی اکبر دهخدا در مجلس شورای ملی
فرهنگ فارسی به فارسی دهخدا بر روی سی دی و به صورت کتاب در ۲ جلد و شانزده جلد در شرکت کتاب موجودند
۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)
درگذشت دکتر مهدی سمسار، روزنامه نگار
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)
ترور و قتل اردشیر حسین پور دانشمند اتمی ایران توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی ایران (زادروز اول دی ماه ۱۳۴۱ خورشیدی برابر با ۲۲ دسامبر ۱۹۶۲ میلادی ۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
درگذشت بهمن جلالی عکاس سرشناس ایرانی در سن ۶۵ سالگی به دلیل مشکلات حاد کبدی در تهران. وی متولد سال ۱۳۲۳ در تهران بود. از اوست کتاب هنر آفرینای سیاه و روزهای خون و آتش و خرمنشهر و گنج پیدا.

یکشنبه ۲۶ دی ۱۶ ژانویه

۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۸ میلادی)
مستوفی الممالک رییس الوزرا شد
۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)
شمس الملوک مصاحب، نخستین زن ایرانی که از دانشگاه تهران درجه دکترا گرفت، جلسه ی دفاع از رساله ی دکترای خود را برگزار کرد
۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۱ میلادی)
مدیر باغ وحش تبریز را شیر خورد
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)
محمدرضا شاه و فرح پهلوی ایران را ترک کردند
۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)
درگذشت علی دشتی - نویسنده، پژوهشگر و سیاستمدار
کتابهای علی دشتی شامل: ۲۳ سال و سیری در دیوان شمس به فارسی و انگلیسی و کتابهای ایام محبس، دمی با خیام، در قلمرو سعدی، نقشی از حافظ، عقلا برخلاف عقل و هم چنین کتاب تخت پولاد به صورت مکتوب و گویا در شرکت کتاب موجودند

دوشنبه ۲۷ دی ۱۷ ژانویه

۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۶ میلادی)
تیرباران شستن نواب صفوی، خلیل طهماسبی، مظفر ذوالقدر و سیدمحمد واحدی در لشکر ۲ زرهی
۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
سومین فرزند شاهزاده رضا پهلوی و یاسمین پهلوی - فرح پهلوی - در واشینگتن آمریکا متولد شد.

سه شنبه ۲۸ دی ۱۸ ژانویه

۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی)
تاجگذاری محمدعلی شاه قاجار
۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)
آغاز تظاهرات شدید در تهران و شهرستانهای ایران بر له و علیه دکتر محمد مصدق و آیت الله کاشانی و تعطیل مغازه ها
۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)
انتشار اولین شماره مجله « ستاره سینما » در تهران
۱۳۴۳ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)
انحلال ضرابخانه و انتقال وظایف آن به بانک مرکزی ایران

چهارشنبه ۲۹ دی ۱۹ ژانویه

۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی)
درگذشت رضا ورزنده - نوازنده، موسیقیدان و استاد سنتور
۱۳۶۶ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)
درگذشت مهدی برکشلی - نویسنده و موسیقیدان
۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
محمود مشرف تهرانی، معروف به م. آزاد، شاعر و مترجم در تهران درگذشت
۱۹۹۴ میلادی
کشیش هایک هوسپیان توسط عمال جمهوری اسلامی ربوده شد. جسد او یازده روز بعد پیدا شد. (۱۹ ژانویه)

پنجشنبه ۳۰ دی ۲۰ ژانویه

۱۳۰۷ خورشیدی (۱۹۲۹ میلادی)
ایجاد تغییرات دامنه دار در کادر قضایی کشور توسط داور، وزیر عدلیه
۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۳ میلادی)
رضا شاه دستور داد وزارت دربار را منحل کنند و اعلام کرد دربار وجود ندارد و تیمورتاش دیگر وزیر دربار نیست
۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)
استغای ابراهیم حکیمی نخست وزیر به علت عدم موفقیت در قضیه آذربایجان
۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)
صدور نامه تاریخی آیت الله کاشانی رییس مجلس شورای ملی به دکتر مصدق که ضمن آن نوشت « از راه خطایی که می‌پیمایید پشیمان خواهید شد. قصد تجاوز به حقوق عامه را کنار بگذارید.»
۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)
موافقت دولت با تأسیس سازمان هواپیمایی ملی ایران در داخل و خارج کشور
۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۴ میلادی)
آغاز بهره برداری کارخانه پتروشیمی آبادان
۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)
درگذشت فیروز شیروانلو - نویسنده و مترجم
۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)
درگذشت حاج قربان سلیمانی، استاد پیشکسوت موسیقی مقامی خراسانی، در سن ۸۵ سالگی بر اثر کهنولت سن. وی متولد ۱۳۰۲ در روستای علی آباد قوچان بود.

بیداری

بیداری تنها نشریه ضد خرافات بزبان فارسی

در سراسر جهان بخش می شود

تماس برای اشتراک

858-320-0013

858-320-0013

bidari2@hotmail.com

انستیتو خدمات

به مدیریت دکتر امیر حقیقت

دارنده اجازه رسمی از ایالت کالیفرنیا جهت انجام ازدواج شرعی-رسمی و آمریکایی

- ✳️ امور مهاجرت - پناهندگی - اخذ پاسپورت سفید
- ✳️ تابعیت آمریکا، اخذ ویزای نامزدی، خانواده
- ✳️ ترجمه و تنظیم مدارک و کلیه خدمات وابسته
- ✳️ گواهی و تصدیق امضا - نوتاری
- ✳️ تهیه و تنظیم وکالتنامه - دعوتنامه - رزومه
- ✳️ تنظیم شرکتنامه - قرارداد - وصیت نامه

- ✳️ امور حسابداری Book keeping
- ✳️ امور مربوط به سفارت ایران - تمدید و تجدید پاسپورت
- ✳️ انجام مکاتبات تجاری و شخصی
- ✳️ نایب فارسی، انگلیسی با کامپیوتر
- ✳️ انجام امور مالیاتی شخصی و شرکتها

(310) 473-3344

Fax: (310) 473-4519

1441 WESTWOOD BLVD #C, LOS ANGELES CA 90024

Valley Office

(818) 343-5113

amirhg55@gmail.com

مهر داد بحری

نامی آشنا و مورد اعتماد در معاملات ملکی در جنوب کالیفرنیا
با همراهی یک تیم مجهز و حرفه ای که شما را در تمامی مراحل خرید و فروش ملک از آغاز تا پایان، پشتیبانی می کند



CA DRE # 01035809
ZILLOW 5 STAR AGENT

Mathew "Mehrdad" Bahri, REALTOR
(As Heard on 670 AM KIRN)
Residential & Residential Income Specialist
NS ERA BEVERLY HILLS, CA

Direct: 310 - 447 - 7777 | Mobile: 310-259-0506



قالیشویی باران

شستشو و تعمیرات انواع فرشهای

دستبافت و ماشینی و آنتیک

949-300-6989

BaranrugServices.com

نیایش های یهودیان ایرانی سوکوار

پاتخ الياهو - قدیش - هشکاو - تهیلیم (فصل ۱۱۹)
منتخباتی از قوانین و نیایش های عزاداری
به زبان عبری و دبیره عبری - فارسی و انگلیسی
פּתח אֱלֹהֵינוּ - קְדִישׁ - הַשְּׁמֹנֶה - תְּהִלִּים

شان صداقتی

با سالها خدمت و سابقه درخشان در
ایدن مموریال پارک

818-326-4040



روان درگذشتگان شاد و یادشان گرامی باد

چاپ سوم این مجموعه با تجدید
نظر و افزوده ها منتشر شد با تلفن
به آقای شان صداقتی آن را به
رایگان از ایشان دریافت کنید



Champion Consultation Services, LLC.
IMMIGRATION, SSI, CAPI and GR

Serving: Los Angeles, Orange County and Valley Area

Immigration services (Renewal Passport)
Early Retirement and SSI
Medical and Medicare
EVT, Capi and GR

آگاه، دلسوز، حامی شما در امور خدمات و مهاجرت
گرفتن سیتی زن شیب بدن امتحان (برای افراد واجد شرایط)
دریافت مزایای SSI, EBT, CAPI, GR
گرفتن بیمه های خصوصی و دولتی، مدیکل و مدیکر
مزایای امور سوشیال سکوریتی (بازنشستگی و از کار افتادگی)
گرفتن پاسپورت آمریکایی و ایرانی توسط دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن
در صورت لزوم ما به نزد شما خواهیم آمد
ما به زبان های فارسی، انگلیسی و اسپانیولی صحبت می کنیم

213-573-9635

g.ekbatan@gmail.com

3415 S.Sepulveda Blvd. Suite 1100
Los Angeles CA 90034



Iranian Information Center
08Global.net
(818) 9 - 08 08 08

اصغر فرهادی، برنده ۲ جایزه اسکار،
اینک با شاهکار جدید سینمایی خود در «گلدن گلوب»!

تهیه کننده: شرکت آمازون

انتخاب رسمی ایران به عنوان نامزد
دریافت جایزه در رشته **بهترین فیلم**
خارجی در نود و چهارمین جشنواره اسکار



WINNER
GRAND PRIX
FESTIVAL DE CANNES

A

HERO

A FILM BY
ASGHAR FARHADI

“ONE OF THE BEST
FILMS OF THE YEAR”

PLAYLIST IndieWire Slate AV CLUB RogerEbert.com

“A **GRIPPING**
MORALITY PLAY”

The New York Times

“A **HERO** IS
FARHADI AT HIS BEST”

Hollywood
REPORTER



PG-13

FOR SOME
THEMATIC ELEMENTS
AND LANGUAGE

memento arte

Production

France

424

AMAZON

STUDIOS

NOW PLAYING IN THEATERS

JAN 21 | prime video



راديو پیام اسرائیل

اخبار روز ایران و جهان

RADIS.ORG

twitter.com/Radio_Payam t.me/radisorg
instagram.com/radio.payam facebook.com/radis.org

ایران شاهر 298

رایگان
FREE
در جنوب کالیفرنیا

هفته نامه خبری، فرهنگی، سیاسی ایران شاهر - شماره 298 - آدینه 14 ژانویه 2022

مایک منشوری - مشاور بیمه

Mike Manshoory
(213) 926-7070

mikemanshoory@yahoo.com



Protecting Your Family and Your Assets

Life Insurance with Living Benefits
Retirement planning, Disability Income Insurance
College Funding Strategies
Annuities with High Yield Interest
401K Rollover, IRA & ROTH IRA Accounts

Mortgage protection insurance
Long term care
Financial goal setting
tax free income

IRANSHAHR WEEKLY NEWSPAPER - NO: 298 JANUARY ,14 , 2022

www.iranshahrnewsagency.com

دکتر صدی حدادیان



Sedi Hadadian, M.D.
Obstetrics, Gynecology & Infertility

جراح و متخصص بیماریهای زنان
زایمان و نازایی از ایران و آمریکا

(888) 816 - 2291
(818) 888 - 8802

تعدیل وام

در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا

All Investments Group, Inc.

کامیاب روحانی

تعدیل، تغییر و پایین آوردن بهره از بین بردن وام های
دوم خرید و فروش املاک
Residential & commercial

424-385-2981



بیانیهی ناشران مستقل ایرانی در خارج کشور کشتند؛ شور زندگی راه شاعر آزادی خواه را.

بگناش آبتین، هنرمند، شاعر و فیلم سازی که هرگز سر در برابر قدرت خم نکرد را به خاطر دفاع از آزادی بیان، عدالت و برابری انسان ها، کشتند. اما فراموش کرده اند که: «هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق».

حالا بی حضور فیزیکی اش، در لابه لای واژه هایی که برای نسل امروز و فردا به یادگار گذاشته، سر پر شورش، قلب مهربانش، آهنگ پر طنین اش، کلام قاطع و بی تزلزل اش، امید بی پایان می آفریند.

کشتند او را تا از عشق ورزیدن، انسانیت، همدردی، همراهی و عدالت سخن نگوید.

ناشرین مستقل ایرانی در خارج کشور، دنیا را بی بگناش آبتین، کم نورتر می بینند و هرگز قتل او را بر کسی نخواهند بخشید.

ما ناشرین ایرانی، قتل بگناش آبتین که خود به تنهایی یک گردان آزادی خواه بود را محکوم و همه را دعوت می کنیم که دادخواه خون او باشند.

ما هم گام با کانون نویسندگان ایران، حاکمیت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی و امنیتی آن را عامل و مسئول فاجعهی مرگ و بلکه قتل تبهکارانهی بگناش آبتین می دانیم و صدای دادخواهی خود را به گوش جهانیان می رسانیم. از همهی آزادی خواهان، نهادهای مستقل هم سو و مدافعان حقوق بشر می خواهیم که چشم بر این جنایت نبندند و فریاد اعتراض خود را رسا تر کنند.

۲۰ دی ۱۴۰۰ - ۱۴ ژانویه ۲۰۲۲
ناشران مستقل ایرانی در خارج کشور

دستور ویژه گوین نیوسام برای استخدام آموزگاران بیشتر



گوین نیوسام فرماندار کالیفرنیا در دستور ویژهی، روند آسانی برای استخدام آموزگاران و کادر آموزشی برای آموزش ۶ میلیون دانش آموز در کالیفرنیا را اعلام کرد.

با در نظر گرفتن بازگشت دانش آموزان به مدارس و افزایش شمار مبتلایان در بین آموزگاران، بیش از هر زمانی، نیاز جدی برای استخدام آموزگاران در کالیفرنیا وجود دارد.

اتحادیه آموزگاران کالیفرنیا پیشنهاد نموده است که استخدام موقت بتواند بر روی آموزگاران بازنشسته و آموزگاران قراردادی جایگزین و دانشجویان دوره آموزگاری تمرکز نماید.

این دستور ویژه که تا پایان ماه مارچ خواهد بود، کمک خواهد نمود که با افزایش ساعات کاری آموزگاران قراردادی جایگزین و قرارداد با آموزگاران بازنشسته، کادر آموزشی سال جاری در دوران کرونا تامین شود.



EMPIRE PACIFIC INVESTIGATIVE SERVICES
Investigating & Consulting Services

1-310-657-3747
1-310-433-5332



آیا نگران فرد دیگری در زندگی خود هستید؟
مایک حکیمی
دوست شما در لحظات حساس زندگی

CBS AUTO BODY

تصادف، اتفاق ناخوشایندی است! ولی

با راهنمایی های سی بی اس آتو بادی می توان عواقب تصادف را کنترل کرد و ضرر و زیان را به کمترین میزان ممکن رساند

سی بی اس آتو بادی با بیش از ۴۰ سال حضور مداوم در این کار و شناخت همه ریزه کاری های این کار در خدمت شما برای آن که شما بتوانید ضرر و زیان تصادف ناخواسته را کنترل کنید.



818.765.5300

Fax: 818.255.6655

6729 Lankershim Blvd.,
North Hollywood CA 91606

CZR | CARPENTER, ZUCKERMAN & ROWLEY

Trial Lawyers for Justice

دکتر دانیل بنجی

وکیل متخصص در تصادفات و صدمات بدنی

شریک و همکار موسسه حقوقی معتبر، با سابقه و با تجربه CZR موسسه بزرگ حقوقی CZR با بیش از ۲۰۰ وکیل میسر و همکاران حرفه ای در امر وکالت، دارای ۹ شعبه در شهرهای مختلف کالیفرنیا و هم چنین یک شعبه در لاس وگاس است. تخصص موسسه CZR که یکی از موفقترین موسسات حقوقی با دریافت صدها میلیون دلار از شرکتهای بیمه برای موکلان خود می باشد حضور در دادگاه و دفاع از پرونده در برابر قاضی و هیات منصفه می باشد.



تصادف یک امر تصادفی است

ولی آینده تصادف در دست شماست

پیش از بستن قرارداد با یک وکیل، پیشینه او، امکانات و توانایی های او را بررسی کنید.

Daniel Benji is a partner of the law firm of CZR, which is one of the most successful law firms in California that only represents injured people and their families in lawsuits against the insurance companies. We handle all types of car, motorcycle, pedestrian, UBER, and all types of accidents included slip and fall accidents. We do not charge any up front costs, and don't charge any fees if we don't get any money.

We come to you
free consultations including free second opinions

Representative case results include: \$131,000,000 for a car accident;
\$45,000,000.00 car accident; \$29,250,000 car accident, and many other seven and eight figure results.

Call or text 24/7

(310) 279-6694
BenjiPersonalinjury.com

تا وصول مطالبات شما از شرکت بیمه، شما هزینه ای پرداخت نمی کنید

No Recovery No fee
هفت روز هفته - ۲۴ ساعته